

مرجع‌نگاری برای کودکان و نوجوانان

● حسن هاشمی میناباد

اشاره

آنچه می‌خوانید گزارشی است که چندین سال پیش آقای «حسن هاشمی میناباد» درباره انتشار آثار مرجع برای کودکان و نوجوانان انجام داده است. نظر به اهمیت موضوع و این که ناشران ایرانی علاقه‌مندی خود را برای انتشار کتاب‌های مرجع نشان داده‌اند مطالعه در این مقاله می‌تواند مفید باشد.

درآمد

امروزه «مرجع‌نگاری» و به ویژه «فرهنگ‌نگاری»، علم جاافتاده‌ای است با اصول و قواعد نظری و عملی کار شده و مفصل، رشته‌های دانشگاهی گسترده، سازمان‌های علمی و حرفه‌ای منسجم، نشریات و مجلات محلی و بین‌المللی معتبر، صاحب‌نظران فرهیخته و مرجع‌نگاران متبحر و نکته‌سنج. اما نصیب ما از این نظریات و فنون چیست و چه قدر است؟ چه بهره‌ای از این پیشرفت‌های حیرت‌انگیز برده‌ایم؟ چه نادره کتاب مرجعی نگاشته‌ایم و در آثار مرجع خودمان چه ابتکار جدیدی به خرج داده‌ایم؟ پاسخ به این پرسش‌ها برای نگارنده سخت است، اما یک نکته برای او بدیهی و مسلم است: در این علم بسیار عقب مانده‌ایم. نوشته حاضر تلاش دارد بر گوشه‌ای کوچک از کتاب مرجع پرتو افکند و سهمی، هر چند اندک، در پیشبرد دانش و عمل مرجع‌نگاری داشته باشد.



تاریخچه کتاب مرجع برای کودکان و نوجوانان (الف) تاریخچه کتاب مرجع در ایران

در تاریخ کلاسیک سنت کتاب‌نویسی در ایران، کودک و نوجوان جایگاهی شایسته نداشته است. شاعران و نویسندگان گهگاه کودک و نوجوان خود را خطاب کرده‌اند. این خطاب‌ها هم عمدتاً جنبه پند و اندرز داشته است. خطاب عمده دیگر، به «نورالعین و «قره‌العینی» بوده که به رحمت ایزدی پیوسته و پدر داغ دیده، مرثیه‌ای برای او سروده است. البته در دوران مشروطیت، کتاب‌هایی رسماً برای کودکان نوشته شده، اما سبک و سیاق و اندیشه آن‌ها هم همان سبک و سیاق و فکر

بزرگ‌سالان بوده است؛ مانند «کتاب احمد» از میرزا عبدالرحیم طالبوف. او به زعم خود، مطالب را به گونه‌ای نوشته است که: «سهولت گنجایش در فهم اطفال داشته باشد» [طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۴] و گفته‌های خود را «از زبان اطفال در لباسی که متعلمان را به کار آید و مبتدیان را بصیرت افزایش دهد» [همان، ص ۱۶]، ترتیب داده است. در حالی که هضم این کتاب برای کودک و نوجوان به راحتی امکان‌پذیر نیست.

شاعرانی مانند ایرج میرزا و ملک‌الشعراى بهار برای کودکان و نوجوانان شعر سروده‌اند، اما آن‌ها را نمی‌توان «شعر کودک» شمرد. بسیاری از اشعار شاعران کودک دوره بعد از این دو نیز زبان و بیان کودکان ندارند. حتی امروزه هم تعداد شاعران کودک و نوجوان به معنای واقعی کلمه اندک است.

در چنین بستری، طبیعی است که کتاب مرجع برای کودکان و نوجوانان هنوز محملی پیدا نکند. با انتشار کتاب‌های درسی تألیفی برای دانش‌آموزان و محصلان ایرانی، پس از یک دوره ترجمه این آثار که از «دارالفنون» شروع شد، ضرورت کتاب‌های کمک درسی و کتاب‌های قصه و سپس آثار مرجع برای کودکان و نوجوانان احساس شد. در این جا نیز این کار ابتدا با ترجمه منابع مرجع از زبان‌های اروپایی شروع شد و سپس راه «ترجمه-تألیف» و سپس تألیف محض باز شد. کتاب مرجع برای کودکان و نوجوانان در آغاز به صورت پراکنده وجود داشت و به مطالب علمی محدود می‌شد. کم‌کم کتاب‌های مرجع غربی که به صورت مجموعه چندین جلدی بودند، پا به عرصه نشر ایران گذاشتند.

تألیف «دایرةالمعارف فارسی» غلامحسین مصاحب، در ذهن علاقه‌مندان کتاب کودک این اندیشه را پدید آورد که برای کودکان و نوجوانان نیز می‌توان اثری شبیه این دایرةالمعارف تهیه کرد. این فکر را تعدادی از همکاران دست‌اندرکار در همین دایرةالمعارف با ترجمه فرهنگ‌نامه آمریکایی «برتاموریس پارکر» به ثمر رساندند و یک جلد «ویژه ایران» را به آن افزودند. انتشار این

دانشتینهای اسلامی برای نوجوانان



فرهنگ‌نامه نظرات موافق و مخالف زیادی را برانگیخت. برای کسب اطلاعات در این زمینه رجوع کنید به مطالبی که در همین فصل درباره «شورای کتاب کودک» و ترجمه کتاب مرجع آمده است.

فرهنگ‌نامه تألیفی مهرداد مهرین با عنوان «دایرةالمعارف خردسالان» در سال ۱۳۵۰ در ۷۶۰ صفحه منتشر شد که به لحاظ ضعیف و پراکنده بودن مطالب، مورد قبول جامعه علمی کتاب کودک قرار نگرفت. این اثر تألیفی نتوانست حریف «فرهنگ‌نامه برتاموریس پارکر»، با وجود معایب آن شود. دایرةالمعارف خردسالان مجموعه‌ای از اطلاعات پراکنده و نامنسجم است که در آن، هیچ یک

از اصول و معیارهای مرجع‌نگاری کودکان و نوجوانان رعایت نشده است.

پیش از انقلاب اسلامی، سازمان‌های ویژه کودکان مانند «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» به کتاب مرجع توجهی نداشتند. آن‌ها در درجه اول و بیشتر بر ادبیات کودک تمرکز کرده بودند و در درجه دوم بر انتشار کتاب‌های علمی و آموزشی. در این میان، تنها شورای کتاب کودک بود که به تدوین کتاب‌های مرجع علاقه جدی و اصولی نشان می‌داد.

پس از یک دوره ترجمه مطلق کتاب مرجع، نوبت به «ترجمه - تألیف» یا «ترجمه - نگارش» این آثار رسید. «ترجمه - نگارش» نیز جای خود را خیلی زود به ترجمه یا تألیف کتاب مرجع، به جز فرهنگ و دایرةالمعارف داد. در این میان، ترجمه صرف کتاب مرجع مخالفانی سرسخت پیدا کرد و در این زمینه مسائلی مطرح شد که در بخش بعدی به آن‌ها می‌پردازیم.

۱. ترجمه و چاپ کتاب مرجع برای کودکان و نوجوانان

ترجمه و چاپ کتاب‌های مستقل مرجع یا بخشی از یک کتاب مرجع و استفاده از آن در بخشی از یک اثر تألیفی به زبان فارسی، همیشه کارساز نیست. در رشته‌های علوم محض شاید تا حدودی بتوان به ترجمه اکتفا کرد، اما در مسائل مربوط به تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران و اسلام - و نیز شرق - ترجمه نه تنها جوابگو نیست، بلکه ناقص و مخدوش نیز هست.

در متون خارجی که عمدتاً از غرب تغذیه می‌شوند، اهداف، گرایش‌ها، تبلیغ و حفظ منافع سیاسی و استعماری غرب را می‌توان به‌راحتی دید و یا رگه‌های آن را مشاهده کرد. شاید چنین اهدافی آن‌قدر زیرکانه در لفافه گذاشته شده باشند که حتی باریک‌بینان و نکته‌سنجان از درک آن‌ها عاجز باشند. انعکاس دیدگاه مخدوش غرب و انتقال آن‌ها به کودکان و نوجوانان معصوم، خیانتی بزرگ به ایران و اسلام خواهد بود. البته از بی‌طرفی معدودی شرق‌شناسان و ایران‌شناسان نیز نباید غافل ماند.

از سوی دیگر، بسیاری از نویسندگان غربی یا غیر ایرانی و غیر مسلمان که دربارهٔ ایران و اسلام تحقیق می‌کنند، با روح فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی آشنایی و انس کافی ندارند و تنها از دور دستی بر آتش دارند.

مؤلف و مرجع‌نگار خارجی، دنیا را از دریچهٔ چشم خود می‌بیند و آنچه را که خود احساس می‌کند و مفید و مهم تشخیص می‌دهد، برای مخاطب هم‌وطن، هم فرهنگ و هم‌زبان خود به شیوهٔ معمول و مطلوب در جامعهٔ خود بیان می‌کند. نیازها، سطح دانش و تجربیات از کشوری به کشوری دیگر و از فرهنگی به فرهنگی دیگر متفاوت است. برای مثال، در فرهنگ غربی و به‌ویژه آمریکا، دایناسور برای کودکان و نوجوانان جذابیت ویژه‌ای دارد و در نتیجه کتاب‌های مرجع زیادی در این زمینه تألیف می‌شوند. حتی در فرهنگ‌ها و فرهنگ‌نامه‌هایشان بخش معتناهی به این حیوان اختصاص می‌یابد. در مقایسه می‌توان گفت که دایناسور برای کودک ایرانی گرچه جالب است، اما آن جذابیت شدید را ندارد و طبعاً حجم مطالب مربوط به آن در یک فرهنگ‌نامهٔ فارسی، از یک فرهنگ‌نامهٔ غربی باید نسبتاً کم‌تر باشد. فرهنگ‌نامه‌های خارجی عمدتاً به نیاز کودکانی که برای آن‌ها، یعنی کودکان کشور تولید کنندهٔ فرهنگ‌نامه نوشته شده‌اند، پاسخ می‌گویند.

در یادداشت ناشر ایرانی فرهنگ‌نامهٔ ۱۸ جلدی **برتاموریس پارکر**، به ترجمه، تنظیم و نگارش **رضا اقصی** (چاپ ۱۳۴۶) چنین آمده است: «این فرهنگ‌نامه چنان که پیداست، ترجمه‌ای است از یک مجموعهٔ خارجی به همین اندازه و هیئت. مسلماً جای این اعتراض هست که چنین مجموعه‌ای برای آن که غرض خود را درست انجام دهد، باید تألیف باشد، نه ترجمه. ولی این اعتراض فقط در حد بحث نظری وارد است. هنوز قدری وقت لازم است تا تألیف کتابی با این اوصاف برای ما امکان عملی پیدا کند. ترجمهٔ این مجموعه خود قدمی است در همین راه.»

عده‌ای معتقدند: «هر قدر مخاطب کتاب مرجع از نظر سن جوان‌تر باشد، ضرورت تألیف این‌گونه آثار بیشتر است.» به‌طور کلی، ترجمهٔ اثر مرجع، کار درستی نیست؛ مگر در زمینه‌های بسیار تخصصی که کشور میزبان سهمی در آن نداشته باشد یا سهم آن بسیار کم باشد.

کمیاب نیروی متخصص در زمینهٔ ترجمه برای کودکان و نوجوانان، از مشکلات فرا راه طرح‌های مرجع‌نگاری است که هم موجب کندی چاپ و انتشار چنین کتاب‌هایی می‌شود و هم عرصه را برای ترجمه توسط افراد کم‌صلاحیت و غیر متخصص فراهم می‌کند. اگر مترجم با صلاحیت در این کار کم داریم، ویراستار با صلاحیت از آن هم کم‌تر هست.

در سال ۱۳۴۶ مؤسسهٔ انتشاراتی «کتاب‌های جیبی»، فرهنگ‌نامهٔ تألیف **برتاموریس پارکر** را

کتاب‌های

مرجع یکی از مهم‌ترین منابع هر کتاب‌خانهٔ خصوصی عمومی و دانشگاهی هستند و بخش مرجع از پر استفاده‌ترین و پرمراجعه‌ترین بخش‌هاست. اهمیت این نوع کتاب‌ها آن قدر زیاد است که برای پرداختن به آن‌ها و شناخت ماهیت و روش کار با آن‌ها، به دانش ویژه‌ای به نام «مرجع‌شناسی» نیاز است

که در آمریکا برای کودکان و نوجوانان آمریکایی نوشته شده بود، از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد و یک جلد هم دربارهٔ ایران به آن افزود که در نتیجه، مجموع تعداد جلد‌های آن به همراه نمایهٔ آن به ۱۸ رسید.

بعد از انقلاب، تعدادی از ناشران به انتشار کتاب‌های مرجع، پرداختند. چند پروژهٔ تدوین کتاب مرجع هم اعلام شدند که هرگز به بار ننشستند.

انتشار کتاب‌های مرجع کودکان و نوجوانان به صورت غیر علمی - به استثنای مواردی محدود از آثار اصولی - هم‌چنان ادامه دارد، اما امید می‌رود که با عنایت به اصول علمی، بهبودی سریع و محسوسی در این حوزهٔ حساس و خطیر فرهنگی حاصل آید.

ب) تاریخچهٔ کتاب مرجع در جهان

پیش از قرن نوزدهم، تنها یوهان واگن سیل (۱۷۰۵ - ۱۶۳۳ م) برای کودکان دایرةالمعارف و فرهنگ‌نامه تألیف کرده بود. کتاب او که «مجموعهٔ کتاب‌های نوجوانان»^۲ نام داشت، در سال ۱۶۹۵ به چاپ رسید. انتشارات «لاروس» فرانسه، دایرةالمعارف جالبی تحت عنوان «فرهنگ‌نامهٔ کوچک کودکان و نوجوانان» را در سال ۱۸۵۳ به چاپ رساند، اما اثر بعدی این ناشر با عنوان «فرهنگ‌نامهٔ کودکان و نوجوانان لاروس» تا سال ۱۹۵۷ به چاپ

نرسید.

«اولین فرهنگ‌نامهٔ نوین کودکان و نوجوانان» کتابی است که از دیرباز تحسین و علاقهٔ همگان را برانگیخته است. این کتاب را آرتورمی^۳ (۱۸۷۵ - ۱۹۴۳) نویسنده و ویراستار انگلیسی نوشت که در سال ۱۹۱۰ در بریتانیا تحت عنوان «فرهنگ‌نامهٔ کودکان و نوجوانان»^۴ و در سال ۱۹۱۲ در آمریکا تحت عنوان «کتاب دانش»^۵ چاپ شد. سبک نگارش آن، روشن، صریح و ساده بود و تعداد زیادی تصویر، نمودار و نقشهٔ جالب داشت. آرایش و تنظیم مقالات و مطالب آن چندان روشن نبود، اما نمایهٔ عالی و دقیق آن به کارایی کتاب بسیار کمک می‌کرد. این سبک تنظیم نمایه، الگوی نمایه‌سازی فرهنگ‌نامه‌های بعدی شد.

آرتورمی بعدها فرهنگ‌نامه‌ای کاملاً تصویری تدوین کرد و بر آن نام «من همه چیز را می‌بینم»^۶ نهاد و آن را از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۰ به چاپ رساند. این فرهنگ‌نامه هزاران تصویر کوچک داشت که متن هر یک تنها چند واژه بود. این کتاب نزد کتاب‌داران، به سبب آن که کتاب مرجعی عالی و مفید است، هنوز هم اعتبار فراوانی دارد؛ گرچه دیگر کودکان و نوجوانان از آن استفاده نمی‌کنند. در سال ۱۹۱۸ - ۱۹۱۷ فرهنگ‌نامه‌ای کاملاً جدید برای کودکان و نوجوانان انتشار یافت. این

اولین

فرهنگ‌نامهٔ نوین

کودکان و نوجوانان» کتابی

است از آرتورمی نویسنده و ویراستار انگلیسی که در سال ۱۹۱۰ در بریتانیا تحت عنوان «فرهنگ‌نامهٔ کودکان و نوجوانان»^۴ و در سال ۱۹۱۲ در آمریکا تحت عنوان «کتاب دانش»^۵ چاپ شد. سبک نگارش آن، روشن، صریح و ساده بود و تعداد زیادی تصویر نمودار و نقشهٔ جالب داشت

اثر «فرهنگ‌نامه کتاب جهان»^۷ نام داشت و عنوان فرعی آن «دانش نظام یافته در قالب داستان و تصویر» بود. چاپ این کتاب بسیار موفقیت‌آمیز بود و در نتیجه، چاپ‌های تجدیدنظر شده مداومی را در پی داشت. در سال ۱۹۲۵ یک جلد ویژه مطالب درسی و واحدهای مطالعاتی به آن اضافه شد. از سال ۱۹۲۲ نیز به طور منظم سال‌نامه‌های آن منتشر شد. در سال ۱۹۶۱ چاپ آن به **خط بریل** در ۱۴۵ جلد انتشار یافت. از چاپ ویژه نابینایان آن بیشتر تصاویر حذف، اما بسیاری از نمودارها و جدول‌ها حفظ شدند. در سال ۱۹۶۴ چاپ جداگانه‌ای از آن در ۳۰ جلد با حروف درشت برای کم‌بینایان منتشر شد.

جنگ جهانی اول، موجب توقف فکر انتشار «فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان بریتانیکا» شد. اولین چاپ این اثر در سال ۱۹۳۴ انتشار یافت. این اثر براساس «فرهنگ‌نامه نوین ویدون»^۸ استوار بود که «شرکت بریتانیکا» امتیاز آن را خریده بود. همین اثر با عنوان «فرهنگ‌نامه دبستانی بریتانیکا»^۹ در سال ۱۹۶۳ انتشار یافت و از آن زمان تاکنون این عنوان بر آن باقی مانده است. مخاطب اصلی آن، دانش‌آموزان مدارس ابتدایی هستند. یکی از ویژگی‌های بارز آن، مجلد ویژه نمایه‌های آن است که در هر مدخل اطلاعات کوتاهی ارائه می‌کند و آن را به مقالات بلند ارجاع می‌دهد. نسخه بریتانیایی «فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان بریتانیکا» در سال ۱۹۶۰ در لندن منتشر شد. بیشتر مطالب این کتاب، با امتحان‌های سراسری که در بریتانیا از کودکان به عمل می‌آید، ارتباط می‌یافت.

شرکت فرهنگ‌نامه بریتانیکا در سال ۱۹۷۰، دایرةالمعارف جدیدی تحت عنوان «فرهنگ‌نامه کودکان» برای کودکانی که تازه خواندن و نوشتن را شروع کرده، اما هنوز وارد مدارس ابتدایی نشده بودند، انتشار داد. تمام تصاویر این کتاب، رنگی و متن‌های همراه با تصاویر آن کوتاه و موجز هستند. این کتاب از زمان انتشار خود به زبان‌های متفاوتی از جمله ژاپنی و کره‌ای ترجمه شده است.

فرانک ای. کامپتون در سال ۱۸۹۴، «فرهنگ‌نامه دبیرستانی» را شخصاً خانه به خانه می‌برد و می‌فروخت تا مخارج تحصیل خود را در دانشگاه تأمین کند. این اثر بعدها، «کتاب نوین مرجع دبیرستانی» نام گرفت و سرانجام **کامپتون** امتیاز آن را خرید، او هم‌زمان با ادامه انتشار آن، اثری کاملاً جدید و در نوع خود انقلابی را طراحی کرد که ابتدا در سال ۱۹۲۲ تحت عنوان «فرهنگ‌نامه تصویری کامپتون»^{۱۰} به چاپ رسید. این کتاب در فواصل زمانی مناسب مورد تجدید نظر قرار گرفت. ناشر آن با مشاوران آموزش و پرورش و کتاب‌خانه‌ها ارتباط تنگاتنگ پدید آورد. در سال ۱۹۸۹ شرکت فرهنگ‌نامه بریتانیکا، «فرهنگ‌نامه چندرسانه‌ای کامپتون» را که کتاب مرجع الکترونیکی روی تنها یک دیسک فشرده بود، انتشار داد. این اثر تمام مطالب فرهنگ‌نامه چاپی را به همراه صدا و تصاویر کارتونی دربردارد. در سال ۱۹۹۳ «شرکت انتشاراتی تریبون» امتیاز فرهنگ‌نامه‌های کامپتون، از جمله بخش انتشاراتی چندرسانه‌ای آن را از شرکت فرهنگ‌نامه

بریتانیکا خریداری کرد.

«فرهنگ‌نامه دبستانی آکسفورد» (برای کودکان ۱۱ ساله به بالا) برخلاف فرهنگ‌نامه‌های فوق به روش موضوعی تنظیم شده است. هر یک از ۱۲ جلد متن اصلی آن به موضوع گسترده‌ای اختصاص دارد؛ از جمله بشر، تاریخ طبیعی، کیهان، ارتباطات، مشاهیر، کشاورزی و شیلات و صنایع و بازرگانی، مهندسی، تفریح و سرگرمی، قانون و جامعه، خانه و بهداشت و هنرها. جلد سیزدهم، از نمایه و مطالب ارجاع سریع تشکیل می‌شود. مطالب هر جلد به ترتیب الفبایی آرایش یافته‌اند و کتاب ارجاعات متقابل فراوان و تصاویر زیادی دارد.

انواع کتاب‌های مرجع

کتاب‌های مرجع یکی از مهم‌ترین منابع هر کتاب‌خانه خصوصی، عمومی و دانشگاهی هستند و بخش مرجع از پر استفاده‌ترین و پرمراجعه‌ترین بخش‌هاست. اهمیت این نوع کتاب‌ها آن قدر زیاد است که برای پرداختن به آن‌ها و شناخت ماهیت و روش کار با آن‌ها، به دانش ویژه‌ای به نام «مرجع‌شناسی» نیاز است. مرجع‌شناسی در تمام رشته‌ها از درس‌های اصلی به شمار می‌رود و هیچ استاد، دانشجو و پژوهشگری از این علم بی‌نیاز نیست. به جرئت می‌توان گفت: «مرجع‌شناسی، کلید علم، دانش، هنر و ادبیات است.»

کتاب‌های مرجع، آثاری مانند فرهنگ‌نامه، فرهنگ لغت، جای‌نامه، سال‌نامه، اطلس، نمایه و جز آن هستند که برای ارائه اطلاعات کوتاه یا مفصل و به قصد مراجعه خواننده تهیه می‌شوند، نه برای مطالعه از اول تا آخر. خواننده برای یافتن اطلاعاتی کلی و پاسخ‌یابی برای نیازهای آنی، به کتاب مرجع مراجعه می‌کند و از آغاز تا پایان آن را مطالعه نمی‌کند. هدف این کتاب‌ها، پاسخ‌گویی صریح، مفید و گاه مختصر به پرسش‌های مراجعه‌کنندگان است.

کتاب‌های مرجع آرایش و ترتیب خاصی دارند که خواننده به کمک آن‌ها می‌تواند اطلاعات مورد نظر را به آسانی و به سرعت پیدا کند. معمول‌ترین و مهم‌ترین این نظم‌ها، ترتیب الفبایی است. ترتیب موضوعی و مفهومی در درجه دوم قرار دارد. ترتیب الفبایی حتی در کتاب‌های مرجعی که نظم موضوعی دارند نیز کاربرد دارد.

کتاب‌های مرجع انواع گوناگونی در حجم‌ها و قالب‌های متفاوت و برای مخاطبان گوناگون دارند. در این گزارش، فقط به بررسی کتاب‌های مرجع کودکان و نوجوانان که مخاطب آن‌ها خود این گروه سنی هستند و آثاری که به قصد خدمت به کودکان و نوجوانان برای استفاده اولیا و مربیان تدوین می‌شوند، می‌پردازیم. از این میان، پرکاربردترین آن‌ها در ایران، فرهنگ‌نامه است. تاکنون فرهنگ لغتی با معیارهای علمی و در نظر گرفتن اصول فرهنگ‌نگاری برای کودکان و نوجوانان تهیه نشده است. کتاب‌های دیگری نیز مانند دست‌نامه، دستورنامه و اطلس، با هدف خدمت به کودکان چاپ شده‌اند که متأسفانه نتوانسته‌اند گونه زبانی رسمی و مشخصی در ایران پدید آورند.



۱. فرهنگ‌نامه، دایرةالمعارف، دانش‌نامه^{۱۱}

کتاب یا مجموعه‌ای از کتاب‌هایی را که درباره رشته‌های گوناگون علوم، دانش، هنر و ادبیات بشر یا رشته‌ای خاص نگارش یافته‌اند، «دایرةالمعارف» می‌گویند. از این‌گونه کتاب‌های مرجع در حوزه کودکان و نوجوانان، به خاطر اثری که شورای کتاب کودک تحت عنوان «فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان» انتشار داده است، بیشتر با عنوان «فرهنگ‌نامه» یاد می‌شود. فرهنگ‌نامه معمولاً به ترتیب الفبایی است، اما فرهنگ‌نامه‌هایی هم به ترتیب موضوعی تدوین می‌شوند. ممکن است در فرهنگ‌نامه موضوعی نیز ترتیب الفبایی در

درجه دوم رعایت شده باشد. معمولاً در پایان کتاب نمایه‌ای می‌آید که ارتباط متقابل اصطلاحات، واژه‌ها و مفاهیمی را که در فرهنگ‌نامه آمده است بیان می‌کند.

«دانش‌نامه» عنوان دیگری برای فرهنگ‌نامه و دایرةالمعارف است. اگر بخواهیم تمایزی بین آن‌ها قائل شویم، می‌توانیم دانش‌نامه را به کتابی صرفاً حاوی مطالب علمی و فنی محدود کنیم که فاقد مطالب مربوط به ادبیات، هنر، مشاهیر و جز آن است. دانش‌نامه به لحاظ واژگانی با «The Book of Knowledge» و فرهنگ‌نامه و دایرةالمعارف با اصطلاح کلی «encyclopedia» معادل است.

فرهنگ‌نامه یا فرهنگ‌لغت وجوه اشتراک و افتراق زیادی دارد. در فرهنگ لغت شرح مدخل‌ها کوتاه است، اما در فرهنگ‌نامه برای آن شرح مفصلی در حد یک مقاله ارائه می‌شود؛ به طوری که در زبان‌های فارسی، انگلیسی و فرانسه مدخل‌های فرهنگ‌نامه را «مقاله»^{۱۲} می‌نامند. تعداد مقاله‌های فرهنگ‌نامه از مدخل‌های فرهنگ لغت کمتر است.

فرهنگ‌نامه انواع گوناگونی دارد که در این‌جا به برخی از مهم‌ترین و متداول‌ترین آن‌ها برای کودکان و نوجوانان می‌پردازیم. اما قبل از آن، کتابی را که معمولاً همزاد و همراه فرهنگ‌نامه تلقی می‌شود، یعنی «سال‌نامه» معرفی می‌کنیم.

۱-۱. سال‌نامه، سال‌نما یا کتاب سال

تحولات جهان امروز آن قدر سریع رخ می‌دهند که دایرةالمعارف‌ها هر قدر هم زود به زود روزآمد شوند، از قافله تحولات سیاسی، اقتصادی، ورزشی و هنری عقب می‌افتند. برای جبران این نقص، دایرةالمعارف‌های بزرگ هر سال کتابی با عنوان سال‌نامه شامل اطلاعات روزآمد و جدید درباره موضوعات متفاوت مانند ورزش، زندگی و مرگ افراد مشهور، آمار جدید، تحولات در کشورهای مختلف و رشته‌های گوناگون علمی، هنری و ادبی منتشر می‌کنند. این کتاب سال‌نامه، سال‌نما یا کتاب سال نامیده می‌شود.

سال‌نامه در اصل کتابی است مشتمل بر تقویم سال آتی شامل روزها، هفته‌ها و ماه‌های سال، روزهای سعد و نحس، پیش‌بینی وقایع و اتفاقات سال آتی، پیشگویی‌های هواشناسی، توصیه‌های کشاورزی، جشن‌ها و اعیاد سال، اطلاعات نجومی و مانند آن.

۱-۲. فرهنگ‌نامه تخصصی

همان‌گونه که اشاره شد، فرهنگ‌نامه مشتمل است بر کتابی حاوی دانش بشری یا رشته‌ای خاص از آن. فرهنگ‌نامه تخصصی اثر مرجعی است که در آن اطلاعاتی دربارهٔ واژگان و اصطلاحات حوزه‌ای اختصاصی مانند فلسفه، ادبیات، روان‌شناسی، ورزش، فقه و مانند آن ارائه می‌شود. این کتاب ویژهٔ متخصصان و کارشناسانی است که در رشتهٔ مورد نظر معلومات کافی دارند. بنابراین، همان‌گونه که از عنوان این کتاب‌ها برمی‌آید، برای متخصص و کارشناس تدوین می‌شوند و نه برای مخاطب عمومی؛ پس مقالات آن بسیار تخصصی و عمیق هستند.

۱-۳. فرهنگ‌نامه یا تقسیم‌بندی موضوعی مجلدات

فرهنگ‌نامه معمولاً در چندین جلد تدوین می‌شود که ترتیب الفبایی بر آن‌ها حاکم است. اما برخی از فرهنگ‌نامه‌های عمومی چند جلدی، ترتیب موضوعی جداگانه دارند و هر جلدی ویژهٔ یک و گاهی دو رشتهٔ عمده است. مثلاً ممکن است هر یک از جلد‌های چنین فرهنگ‌نامه‌ای ویژهٔ یکی از این موضوعات باشد: علم، تاریخ، جانوران، گیاهان، هنر، ادبیات، مشاهیر، کشورها، زمین و همسایگان، شگفتی‌ها، ورزش، سرگرمی و مانند آن. نمایه‌ای دقیق و مفصل، کار ارجاعات و یافتن مطالب مورد نیاز در کل فرهنگ‌نامه را آسان می‌کند.

۱-۴. اطلاعات عمومی

در ایران فرهنگ‌نامه‌ای برای مخاطب عام را که به ترتیب موضوعی آرایش می‌یابد، «اطلاعات عمومی» می‌خوانند؛ مانند «اطلاعات عمومی یا دایرةالمعارف اجتماعی» از عنایت‌الله شکیباپور، «دایرةالمعارف زرین یا اطلاعات عمومی» از م. آذین‌فر. این‌گونه کتاب‌ها معمولاً به دست افراد غیرمتخصص و بدون نظم و ترتیبی خاص نوشته می‌شوند و مطالب جسته و گریخته و نایکدستی دربارهٔ این موضوع‌ها ارائه می‌دهند؛ شرح حال چهره‌های ادبی و علمی و اجتماعی جهان، اختراعات و اکتشافات، عناصر شیمیایی، ادیان جهان، مکتب‌های فلسفی و سیاسی، دانستنی‌های تاریخ، جغرافیای جهان، عجایب هفت‌گانه، اساطیر ایران و جهان و... در واقع، این کتاب‌های مرجع‌گونهٔ «بازاری» فرهنگ‌نامه‌های اصولی هستند که «هرگونه موضوع دانستنی، از قعر اقیانوس‌ها تا اوج کهکشان‌ها» را دربردارند.

۱-۵. کَشکول

کشکول در واقع یک کتاب مرجع چندان رسمی و اصولی نیست و نویسنده یا گردآورنده هر آن‌چه را که برای مخاطبش لازم می‌بیند، بدون نظم و ترتیب و هدف و اندیشه‌ای معین و تعریف شده در آن وارد می‌کند. کَشکول و کتاب اطلاعات عمومی از بسیاری جهات شبیه هم هستند؛ با این تفاوت

۲-۲. فرهنگ دایرةالمعارفی

فرهنگی را دایرةالمعارفی می‌گویند که در آن علاوه بر اطلاعات زبانی، اطلاعات دایرةالمعارفی و نیز مدخل‌های دایرةالمعارفی^{۱۶} می‌آید. شرح هر مدخل در چنین اثری بیشتر از فرهنگ معمولی و کمتر از فرهنگ‌نامه است. این کتاب‌های مرجع در واقع فرهنگ‌هایی هستند که به دایرةالمعارف نزدیک می‌شوند. برای فرهنگ‌های دایرةالمعارفی سه ویژگی عمده را می‌توان برشمرد:

الف) شامل اعلام، اسامی کسان، جای‌ها و آثار ادبی و... می‌شود؛

ب) تمام شاخه‌های علوم را در برمی‌گیرد؛

پ) حقایق زیر هر مدخل را به‌طور جامع بررسی می‌کند.

تفاوت فرهنگ‌نامه با فرهنگ‌دایرةالمعارفی در این است که در فرهنگ‌نامه، اطلاعات زیر عنوان موضوعات کلی معدودی ارائه می‌شوند، در حالی که در فرهنگ‌دایرةالمعارفی، اطلاعات به مدخل‌های ریزتری تقسیم می‌شوند. تفاوت دیگر آن‌ها در این است که اطلاعات در فرهنگ‌دایرةالمعارفی، مختصرتر و کمتر از اطلاعات ارائه شده در فرهنگ‌نامه است.

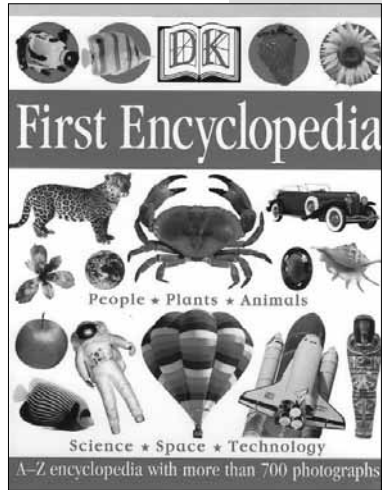
۳-۲. قاموس، گنج واژه^{۱۷}

کتاب مرجعی است که واژه‌ها، عبارات و اصطلاحات زبان به ترتیب معنا و مفهومشان در آن فهرست می‌شوند. واژگان زبان طبق نظم معنایی خاصی که فرهنگ‌نگار تنظیم می‌کند، آرایش می‌یابند و نمایه‌ای الفبایی در آخر قاموس، کار مراجعه به آن را آسان می‌کند. این کتاب مرجع به‌طور کلی هنگامی به کار می‌رود که شخص برای بیان آنچه که در ذهن دارد، به واژه‌های مناسب بیشتر و یا بهتری نیاز دارد. همچنین «برای یافتن کلمه‌ای که آن را به خاطر نمی‌آوریم و یا واژه‌ای که اصلاً نمی‌دانیم و بیان اندیشه ما بدان‌ها احتیاج دارد» [صبا، ۱۳۶۶]. تدوین می‌شود.

۴-۲. فرهنگ تصویری در مقابل فرهنگ مصور

شواهد تصویری، یعنی عکس، تصویر، طرح و نقشه، از جمله اطلاعات مفیدی هستند که در کتاب‌های مرجع برای اطلاع‌رسانی و تکمیل داده‌های زبانی و نیز جذابیت و گیرایی اثر عرضه می‌شوند. فرهنگی را که از چنین مزیتی برخوردار است، «فرهنگ مصور^{۱۸}» می‌نامیم.

گاهی ترتیب اصلی فرهنگ براساس تصویر است و نه کلام. برای مثال، در فرهنگ نشانه‌های اشاره‌ای ناشنویان، مفاهیم بر اساس شکل نشانه‌ها طبقه‌بندی می‌شوند. در «فرهنگ تصویری آکسفورد-دودن^{۱۹}» فقط تصاویر اشیاء، جانوران، گیاهان، مسکن‌ها، عوارض زمین، بدن انسان،



لباس‌ها، وسایل نقلیه و امثال آن طبق نظمی ویژه آمده و معادل کلامی آن‌ها نوشته شده است. این کتاب‌ها را «فرهنگ تصویری»^{۲۰} می‌نامیم.

۳. دست‌نامه، دستینه، راهنما، دستورنامه^{۲۱}

کتابی مختصر و مفید دربارهٔ یک موضوع نظری و عملی یا جنبه عملی و فنی است که مطالب در آن به صورت ساده و جامع و معمولاً برای مبتدیان و تازه‌کاران به منظور استفاده سریع نوشته می‌شود. هر دست‌نامه‌ای به موضوعی خاص اختصاص دارد و می‌تواند به هر رشته‌ای از دانش، فن و هنر بپردازد؛ مانند پرستاری کودک، آداب معاشرت، ساختن ماکت هواپیما، گل آرایی، اصطلاحات ادبی، سرگرمی‌های علمی، جغرافیا، تاریخ، ریاضی و... نیازی نیست که اطلاعات این کتاب‌ها همه‌ساله یا در دوره‌های زمانی نزدیک‌تر، روزآمد و ویرایش شود. ترتیب در دست‌نامه موضوعی است و نه الفبایی و مطالب آن مانند کتاب درسی فصل‌بندی می‌شود. عده‌ای دستورنامه را به دست‌نامه‌ای اطلاق می‌کنند که جنبهٔ عملی دارد و نحوهٔ ساخت یا تعمیر و بازسازی چیزی را شرح می‌دهد؛ مانند دستورنامهٔ تعمیر تلویزیون و دستورنامهٔ ساخت ماکت هواپیما.

۴. راهنمای مشاغل^{۲۲}

منظور از این نوع کتاب‌ها، آثار کوتاهی همراه باعکس‌ها و تصویرهای نه چندان زیاد است که انواع مشاغل و حرفه‌ها را معرفی می‌کند و نوجوانان و تازه‌جوانان را در انتخاب رشتهٔ تحصیلی و حرفه و پیشهٔ آینده‌شان یاری می‌دهد. در این کتاب‌ها، تحصیلات، مقدمات و آمادگی‌های لازم برای رسیدن به یک حرفه و پیشه و نیز مشخصات و ویژگی‌ها، مزایا و معایب و امکانات ترقی در آن و مواردی از این دست توصیف می‌شود. گرچه آن‌ها را می‌توان در ردهٔ دست‌نامه‌ها طبقه‌بندی کرد، اما به خاطر نقش و فایده‌ای که در آیندهٔ نوجوانان و تازه‌جوانان و انتخاب رشتهٔ تحصیلی‌شان دارند، آن‌ها را جداگانه آورده‌ایم.

۵. مجموعه‌ها

در این گزارش، «مجموعه» را به تسامح در مفهومی گسترده‌تر برای دلالت بر کتاب‌هایی به کار می‌بریم که از بخش‌هایی از آثار مستقل یا تعدادی از این گونه آثار شکل می‌گیرند و خود به کتابی جدید تبدیل می‌شوند.

۱-۵. گزیده، گلچین و جنگ

مجموعه‌ای از مطالبی مانند شعر، داستان و قصه است که بنا به سلیقهٔ گردآورنده، از یک یا چند شاعر یا نویسنده گردآوری می‌شود. این مطالب برگزیده و ویژگی مشترکی مانند موضوع یا صورت ادبی واحدی دارند. ممکن است زندگی‌نامهٔ شاعر یا نویسنده و یا حتی توضیحی دربارهٔ سبک و آثار

او نیز در گزیده بیاید. گزیده امکان دارد همراه با تصویر و عکس نویسنده یا شاعر و یا با نقاشی‌ها و طرح‌های دیگر همراه باشد.

۲-۵. مجموعه آثار یا کلیات

تمام آثاری که شاعر، نویسنده یا نقاش در مراحل گوناگون زندگی هنری خود خلق کرده و انتشار داده است، در نهایت در یک یا چند جلد به صورت یکجا گردآوری و منتشر می‌شود. این کتاب‌ها را مجموعه آثار یا کلیات می‌نامند.

۶. منابع جغرافیایی

منابعی مانند اطلس، کره و نقشه جغرافیایی، چه در خانه و چه در مدرسه، کاربرد بسیار دارند و یک یا چند گونه از آن‌ها معمولاً دم دست کودکان و نوجوانان هستند.

۱-۶. نقشه جغرافیایی

به صفحه‌ای که یک قسمت یا تمام سطح زمین روی آن به صورت نمایش خطی نشان داده شده باشد، «نقشه» می‌گویند. نقشه مختصات اصلی یک منطقه و چگونگی ارتباط اجزای آن را با یکدیگر نشان می‌دهد. ترسیم شکل به گونه‌ای است که انگار بیننده آن را از آسمان نظاره می‌کند. نقشه ممکن است مربوط به یک کشور، شهر، دهکده یا ناحیه کوچک‌تری باشد. نقشه‌های برجسته، عوارض زمین را در ابعاد نسبی آن نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، ارتفاع نسبی کوه‌ها و عمق دره‌ها در نقشه‌ها مشخص می‌شود.

۲-۶. اطلس

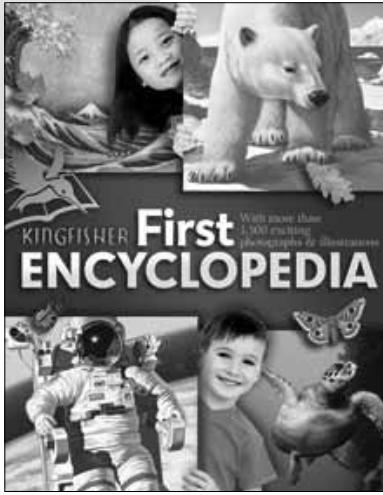
«اطلس» عبارت است از مجموعه‌ای از نقشه‌های جغرافیایی به صورت یک کتاب، همراه با جدول، نمودار و دیگر اطلاعات جغرافیایی و نمایه‌های گوناگون در پایان کتاب. اطلاعات کمکی دیگری مانند پرچم و نشانه رسمی کشورها و عکس‌های ویژه کشورها و مناطق نیز در اطلس می‌آیند.

اطلس ممکن است مربوط به یک کشور یا مربوط به جهان باشد. در اطلس جهان ابتدا نقشه کلی جهان و سپس نقشه قاره‌ها، مناطق و کشورها قرار می‌گیرند. در اطلس کشور نیز همین ترتیب کل به جزء رعایت می‌شود.

قطع اطلس‌ها معمولاً بزرگ است، اما اطلس‌های جیبی مانند اطلس جاده‌های کشور یا خیابان‌های یک شهر بزرگ نیز وجود دارند. نقشه‌هایی که در اطلس می‌آیند، از نظر موضوعی انواع متفاوتی دارند؛ مانند نقشه سیاسی، نقشه طبیعی، نقشه تاریخی، نقشه پراکندگی جمعیت، نقشه میزان بارندگی و...

۳-۶. کره جغرافیایی

اگر نقشه جغرافیایی جهان بر سطحی مدور و گوی مانند تصویر شده باشد، آن را کره جغرافیایی



می‌خوانند. کرهٔ جغرافیایی عبارت است از گوی تو خالی گردان از جنس فلز، پلاستیک یا مقوا که نقشهٔ جهان نما روی آن ترسیم می‌شود. این کره معمولاً بر پایه‌ای گرد استوار می‌شود و دور محوری که محور فرضی زمین است، می‌چرخد.

۴-۶. جای نامه یا فرهنگ جغرافیایی

«جای نامه» کتابی است که در آن نام مکان‌ها، رودها، کوه‌ها و مانند آن به ترتیب الفبایی فهرست می‌شود و حاوی اطلاعاتی دربارهٔ محل، مانند جمعیت آن، ارتفاع کوه‌ها و طول رودهاست. جای‌نامه ممکن است جهانی، ملی یا منطقه‌ای باشد. نمایهٔ اطلس جغرافیایی در واقع خود نوعی جای‌نامه است؛ با این تفاوت که اطلاعات در جای نامه مفصل‌تر است.

جای نامه معمولاً فاقد نقشه است و اگر نقشه‌هایی هم داشته باشد، تعداد آن‌ها اندک است و نقش فرعی دارند. یک جای نامهٔ خوب و یک اطلس روزآمد می‌توانند مکمل هم باشند.

عده‌ای «فرهنگ جغرافیایی» را کتابی می‌دانند که اصطلاحات و واژگان مربوط به علم جغرافیا در آن آمده باشد. به اعتقاد نگارنده، مفهوم حاضر همان فرهنگ تخصصی است که شامل واژگان حوزهٔ خاصی از علوم و فنون و دانش بشری می‌شود؛ مانند فرهنگ شیمی، فرهنگ زیست‌شناسی، فرهنگ اصطلاحات صنایع ادبی، فرهنگ مواد مخدر و روان گردان‌ها و... حال اگر موضوع یکی از انواع این فرهنگ‌ها علم جغرافیا باشد، نمی‌توان آن را مقولهٔ جداگانه‌ای از فرهنگ تخصصی دانست.

۷. کتاب‌های آموزش الفبا

«آموزش الفبا» کتابی است که به همراه شعر و نقاشی یا عکس، حروف الفبا را آموزش می‌دهد. ممکن است قواعد املائی مقدماتی و مطالب و مثال‌هایی دربارهٔ جایگاه حروف در اول، وسط و آخر کلمه داشته باشد. معمولاً هر صفحه به یک حرف اختصاص دارد. ظاهراً این گونه کتاب‌های مرجع مقدماتی به تقلید از کتاب‌های مشابه غربی (که ABC book یا abecedarium نام دارند) در ایران رواج یافته‌اند.

۸. کتاب مرجع در قالب داستان، تمثیل یا تصویر

استفاده از داستان، قصه، تمثیل و تصویر به منظور بیان مفاهیم مشکل به‌ویژه برای کودکان و کم‌سوادان، به موفقیت انتقال دانش و تسهیل امر آموزش و پرورش کمک بزرگی می‌کند. مطالب بعضی از کتاب‌های مرجع را می‌توان در قالب داستان ریخت و به این طریق موضوع را بهتر انتقال

داد. این کار به‌ویژه در مورد اطلاعات علمی و معرفی کشورها و مردم مختلف موفقیت آمیزتر است. تصویر محض نیز می‌تواند کمک کند. برای مثال، کتابی با مخاطبان پیش از دبستان می‌خواهد انواع گربه‌سانان را معرفی کند. این کتاب تنها سه جمله دارد: «گربه من کجاست؟ این گربه من نیست. این گربه من است.» کودکی که گربه‌اش را گم کرده است، در هر صفحه با یکی از انواع گربه‌سانان و محیط زندگی و مردمی که در مجاورت آن‌ها زندگی می‌کنند، آشنا می‌شود تا این که سرانجام گربه خود را می‌یابد.

مطالب

بعضی از کتاب‌های مرجع را می‌توان در قالب داستان ریخت و به این طریق موضوع را بهتر انتقال داد. این کار به‌ویژه در مورد اطلاعات علمی و معرفی کشورها و مردم مختلف موفقیت آمیزتر است

۹. کتاب‌های مرجع ردیف دوم

برخی از کتاب‌های مرجع برای مراجعه مستقیم هستند و برخی دیگر، مراجعه کننده را به منابع دیگر ارجاع می‌دهند تا سؤال‌های خود را در آن‌ها بیابد. فرهنگ‌نامه، فرهنگ لغت، اطلس و... کتاب‌های مرجع ردیف اول هستند. «کتاب‌شناسی» و «نمایه» از عمده‌ترین آثار ردیف دوم به شمار می‌آیند.

۹-۱. نمایه

«نمایه»^{۲۴} عبارت است از فهرست منظم و مفصل الفبایی موضوعات، نام اشخاص، مکان‌ها و مانند آن که در تعدادی از کتاب‌ها، نشریات و مواد مشابه به آن‌ها اشاره شده است و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مکان دقیق آن‌ها در منبع با شماره صفحات و گاهی به همراه شماره یا نشانه ستونی از صفحه که اطلاع مورد نظر در آن‌جا به کار رفته است، ذکر می‌شود. نمایه در واقع راهنمای نظام‌مندی برای یافتن واژه، مفهوم یا عنصری دیگر در نشریات و اسناد و مدارک است. هر نمایه تعدادی مدخل یا «سرشناسه» دارد که به نظم منطقی - معمولاً الفبایی - قرار گرفته‌اند و ارجاعاتی به مکان یا مکان‌هایی دارد که محل هر عنصری را شناسایی می‌کند. نمایه برای بازیابی اطلاعات به کار می‌رود.

کودکان و نوجوانان معمولاً نمی‌توانند خود به‌طور مستقیم به نمایه و نیز کتاب‌شناسی مراجعه کنند. این آثار توسط اولیا، مربیان و پژوهشگران برای خدمت به کودکان و نوجوانان به کار گرفته می‌شوند.

۹-۲. کتاب‌شناسی

فهرستی از عنوان‌ها و مشخصات کتاب‌ها یا مواد غیر کتابی مانند نشریات ادواری، عکس‌ها و مقالات را که به روشی خاص تنظیم شده باشد، «کتاب‌شناسی» می‌گویند. برخی از کتاب‌شناسی‌ها نه تنها فهرست کتاب‌ها و امثال آن را به دست می‌دهند، بلکه مطالبی را درباره خود آن‌ها نیز ارائه می‌کنند. کتاب‌شناسی معمولاً درباره موضوع خاصی است. کتاب‌شناسی ممکن است ۱. کامل ۲. عمومی یا جهانی (برای ارائه اطلاعات مربوط به مواد خاصی در تمام جهان و در تمام موضوعات)

۳. ملی، ۴. گزیده، تخصصی و مانند آن باشد. نمایه‌های متفاوتی را می‌توان به کتاب‌شناسی ضمیمه کرد؛ مانند نمایه ناشران، نمایه تصویرگران، نمایه پدیدآورندگان، نمایه عناوین و...
 کودکان و نوجوانان معمولاً نمی‌توانند خود به‌طور مستقیم به این گونه کتاب‌های مرجع مراجعه کنند. کتاب‌شناسی برای استفاده این گروه سنی نیست، بلکه این آثار برای خدمت به آن‌ها به کار گرفته می‌شوند. اولیا، مربیان و پژوهشگران به این آثار مراجعه می‌کنند و از یافته‌های خود برای کمک به کودکان و نوجوانان بهره می‌برند.
 «فهرست کتاب‌های خوب، خواندنی و مناسبی برای کودکان و نوجوانان»، در واقع نوعی کتاب‌شناسی است که این مخاطبان خود نیز می‌توانند از آن بهره بگیرند.

معیارهای ارزیابی کتاب مرجع

نقد و بررسی و ارزیابی کتاب‌های مرجع هم اصولی کلی و هم اصولی جزئی و موردی دارد. اصول کلی ارزیابی کتاب‌های مرجع بین همه آن‌ها مشترک است که در بخش آغازین این فصل به آن‌ها می‌پردازیم. اصول جزئی و موردی برای هر یک از انواع کتاب‌های مرجع مانند فرهنگ‌نامه، فرهنگ لغت، قاموس و جز آن متفاوت است. از سوی دیگر، ارزیابی کتاب مرجع را باید در دو بخش انجام داد:

- بررسی و نقد ساختار کلان کتاب؛
- بررسی و نقد ساختار خرد کتاب.

این دو ساختار، ارتباط متقابلی با هم دارند و نمی‌توان آن‌ها را جدا از بستر مشترکشان مطالعه کرد. ترتیب مطالب را می‌توان از جزء (= ساختار خرد) به کل (= ساختار کلان) نیز آراست. در این نوشته، ما از کل به سوی جزء پیش می‌رویم. تقدم و تأخر مطالبی که در ارزیابی، به‌ویژه در ساختار خرد، مطرح می‌شود، بر ساختمان کتاب مرجع در کلیت آن و شیوه ارائه اطلاعات توسط مرجع‌نگار خاص استوار خواهد بود.

در ساختار کلان مواردی از قبیل هدف، روش کار، مخاطب، زبان و بیان، ویژگی مطالب ارائه شده، جذابیت، شواهد تصویری و ملاحظات چاپی بررسی می‌شود. در ساختار خرد نمود عملی موارد فوق، از جمله واحدهای پیشین و پسین، مدخل‌بندی، تلفظ، شواهد کلامی و تصویری، ارجاعات و مانند آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

پس از این بخش، به معیارهای ارزیابی و نقد انواع کتاب‌های مرجع به صورت جداگانه می‌پردازیم. معیارهای متفاوتی در این زمینه وجود دارند که به‌طور عمده و در اساس یا با هم یکی هستند یا مشترکات زیادی دارند. علاوه بر معیارهایی که در ادامه آورده‌ایم، اصول دیگری در کتاب «مرجع‌شناسی، شناخت خدمات و کتاب‌های مرجع»، تألیف **نورالله مرادی** آمده است که آن‌ها را در این جا ذکر نکرده‌ایم و خواننده را به این کتاب مفید ارجاع می‌دهیم. نکته مهم در مورد این کتاب که

باید آن را تذکر دهیم، این است که اساس کار نورالله مرادی در تألیف این کتاب، اثر خطیر ویلیام کتز به نام «مقدمه‌ای بر آثار مرجع»^{۲۵} است. اثر ویلیام کتز مبنای بسیاری از اصول و ضوابط ارزیابی کتاب‌های مرجع بوده است. خود نورالله مرادی در پیش‌گفتار کتابش می‌گوید: «از همان آغاز کار روشن بود که ترجمه این کتاب... نمی‌تواند برای خواننده ایرانی کارساز باشد... لذا شروع به تألیف کتابی کم و بیش به سیاق کتاب ویلیام کتز {کتز} کردم.»

۱. معیارهای کلی ارزیابی و نقد کتاب‌های مرجع

۱-۱. ساختار کلان

■ هدف

هدف از تدوین کتاب مرجع خاصی برای کودکان چیست؟

هر اثری با هدف برآوردن نیازهای اطلاعاتی ویژه مخاطبانش نوشته می‌شود و مؤلف باید به آن هدف وفادار باشد. البته هدفی که مؤلف در نظر دارد، ممکن است در عمل با هدفی که کاربرنده کتاب مرجع به خاطر آن به کتاب مراجعه می‌کند، متفاوت باشد.

■ مخاطب

هر کتابی برای مخاطب ویژه‌ای نوشته می‌شود. زبان و بیان، سبک، شیوه پرداخت اثر و به‌طور کلی تمام اجزای کتاب با دانش و سطح آگاهی، نیاز و علاقه و اقتضای حال مخاطب تناسب دارد. مؤلف کتاب مرجع هیچ‌گاه نباید مخاطب خود را فراموش کند؛ باید به او وفادار بماند و اطلاعات را با توجه به توانایی‌ها، قابلیت‌ها و سطح دانش و تجربه او ارائه دهد. متأسفانه گاهی مرجع‌نگاران به علاقه‌ها و سلیقه‌های خود توجه دارند و از مخاطبان خود غافل می‌شوند. منتقدان کتاب‌های مرجع نیز به این موضوع کمتر توجه دارند.

■ روش کار

روش علمی و اصولی مرجع‌نگاری متأسفانه کمتر در ایران به چشم می‌خورد. ممکن است یک طرح مرجع‌نگاری از اصول علمی بی‌بهره باشد، اما مرجع‌نگاران روشی منسجم در کار خود به کار گرفته باشند. در ایران در بسیاری از موارد، بی‌روشی حاکم است و این بی‌روشی نیز همواره دستخوش تغییر می‌شود. در این کار، بهره‌گیری از اصول علمی و نوین مرجع‌نگاری و استفاده از تجربیات دیگران و انطباق آن‌ها با شرایط طرح مورد نظر حائز اهمیت است.

■ زبان و بیان

هر گروه سنی زبان و بیان ویژه‌ای را در ارائه اطلاعات می‌طلبد. بیان غیر مستقیم اطلاعات و ارائه آن در قالب داستان و استفاده هر چه بیشتر از تصویر، لازمه مرجع‌نگاری برای کودکان سنین پایین‌تر است. مطالب علاوه بر سادگی مفهومی، باید از سادگی و شفافیت زبانی نیز برخوردار باشند و زبان و بیان آن‌ها متناسب با تجربه، سطح دانش و آگاهی مخاطب باشد.

■ ویژگی مطالب ارائه شده در کتاب مرجع برای کودکان و نوجوانان

اطلاعات ارائه شده برای کودکان و نوجوانان، ویژگی‌های خاص خود را دارد و مرجع نگار چاره‌ای جز توجه به آن‌ها ندارد. این ویژگی‌ها را در این جا به اجمال بیان می‌کنیم:

- مطالب باید ساده و صریح باشند؛
- انسجام مطالب در این جا نسبت به کتاب‌های بزرگ‌سالان مهم‌تر و حیاتی‌تر است؛

● رسیدن به جامعیت اطلاعات، مثلاً در یک مقالهٔ دایرةالمعارفی، با توجه به ویژگی ایجاز و فشرده‌گی اطلاعات برای این گونه مخاطبان، همیشه به سادگی امکان پذیر نیست؛

● توجه شود که کودکان و نوجوانان از میان انبوه مطالب قابل ارائه، به چه چیزی نیاز دارند و چه چیزی برای آن‌ها ضروری است؟

● دانش و حوصلهٔ کودکان نسبت به بزرگ‌سالان کمتر است و طبیعی است که حجم مطالب لازم برای آن‌ها هم باید محدودتر باشد؛

● این‌که اطلاعات با چه شرح و بسط و شاخه و برگ‌گی باید به کودکان ارائه شود، نیازمند دقت بیشتری است؛

● باید دید مخاطبان، قدرت درک و تحلیل اطلاعات ارائه شده را دارند و یا در درک آن‌ها دچار اشکال می‌شوند.

■ جذابیت

ایجاد عادت به استفاده از کتاب مرجع و استفادهٔ درست از آن، تا حدودی در گرو جذابیت‌های متنی، کلامی، تصویری و چاپی است. هر قدر میزان این جذابیت‌ها بیشتر باشد، علاقهٔ کودک و نوجوان به مرجع‌خوانی به‌طور عام و کتاب مورد نظر به‌طور خاص، افزایش می‌یابد. جذابیت بصری گاه در کتاب‌های مرجع غربی بر خود متن می‌چربد؛ اما چه باک که مرجع نگار به نحوی غیر مستقیم به هدف ارائهٔ هر چه بهتر اطلاعات و تأثیر ماندنی‌تر آن‌ها می‌رسد. گاهی فرهنگ‌نامه‌های غربی متن واحدی دارند، هر چند که در شکل و قالب‌های متفاوتی عرضه شده‌اند.

■ شواهد تصویری

شواهد تصویری در کتاب‌های مرجع به‌طور عمده دو ماهیت دارند:

- کاربردی و یا اطلاع رسانند.
- صرفاً جنبهٔ تزئینی دارند.

نوع شواهد تصویری (عکس، تصویر، نقشه و نمودار)، تعداد، رنگ (سیاه و سفید، سه رنگ، تمام رنگی، یا تصاویری با بخش‌های دارای رنگ‌های متفاوت)، مکان قرار گرفتن شواهد تصویری (در نزدیکی متن، با فاصلهٔ زیاد از متن در پایان کتاب، یا در آخر فصل‌ها و بخش‌ها) از مواردی

شواهد تصویری
در کتاب‌های مرجع به‌طور
عمده دو ماهیت دارند:
۱. کاربردی و یا اطلاع رسانند
۲. صرفاً جنبهٔ تزئینی دارند

هستند که مرجع‌نگار و بعدها منتقد باید به آن‌ها توجه شایانی داشته باشد.

■ ملاحظات چاپی

کیفیت چاپ و جذابیت‌های چاپی در موفقیت کتاب مرجع و اقبال آن تأثیر فراوانی دارد. از سوی دیگر، برای پاسخ‌گویی به نیاز مخاطب کودک و نوجوان رعایت مسائلی در چاپ لازم است که در کتاب‌های بزرگ‌سالان مهم یا چندان مهم نیست. نوع حروف مناسب برای کودک کم سال با نوع حروف مناسب برای مخاطب دبیرستانی تفاوت دارد. صحافی محکم و مقاوم برای این مخاطبان که هنوز راه درست و اصولی به دست گرفتن و ورق زدن کتاب را به‌درستی نمی‌دانند، ضروری است. کیفیت چاپ، کیفیت کاغذ، قطع مناسب و جلد شایسته از دیگر موارد مهم و قابل توجه در این بخش است.



۲-۱. ساختار خرد

در نقد و بررسی کتاب معمولاً توجه عمده منتقد بر ساختار خرد معطوف می‌شود و از ساختار کلان غافل می‌ماند. نقد ساختار خرد به نوع کتاب مرجع و تک‌تک اطلاعاتی که کتاب عرضه کرده است، بستگی دارد. واحدهای پیشین و پسین کتاب مرجع یعنی مقدمه، پیش‌گفتار، راهنمای استفاده از کتاب و پیوست‌های متفاوت، از بخش‌های مهمی هستند که باید بدان‌ها پرداخت. گزینش عنوان مطالب، چه در فرهنگ و چه در فرهنگ‌نامه و قالب کلی بخش‌های کتاب مرجع، شایان بررسی و امعان نظر است. انواع گوناگون ارجاعات بخش‌های کتاب، ارتباط مطالب و پیوستگی و یکپارچگی موضوعات را مشخص می‌کند. شاخص‌های دیگری که در نقد ساختار خرد کتاب مرجع می‌توان به آن‌ها پرداخت، عبارت‌اند از: تعریف و توضیح، اطلاعات زبانی، شواهد کلامی، تلفظ، برچسب‌های کاربردی و...

۲. معیارهای «لویی شورز» برای ارزیابی کتاب‌های مرجع نمونه‌ای موجز برای نقد و ارزیابی کتاب‌های مرجع (الف) اعتبار

۱. مؤلفان و پدیدآورندگان: آیا مؤلفان و ویراستاران از تحصیلات و صلاحیت‌های لازم برخوردارند؟ آیا آن‌ها در پدید آوردن کتاب‌های مرجع تجربه کافی دارند؟ آیا افرادی که به تدوین کتاب‌های مرجع اشتغال دارند، در تألیف و تدوین این اثر همکاری داشته‌اند؟ مؤلفان تا چه میزانی در مقابل مطالبی که نوشته‌اند، مسئولیت دارند؟

۲. ناشر و سازمان متولی چاپ کتاب مرجع: آیا ناشر یا سازمانی که این اثر را چاپ کرده است، به نشر کتاب‌های مرجع شهرت دارد؟ در عرصه انتشار این آثار، چه اعتبار و وزنی دارد؟

۳. نسب‌شناسی: آیا این اثر جدید است؟ اگر بر اساس اثری پیشین تدوین شده یا ادامه آن است، تا چه اندازه مورد تجدید نظر قرار گرفته و میزان افزوده‌ها و تغییرات چه قدر است؟

ب) دامنه

۴. هدف: پدیدآورندگان در متن اثر تا چه اندازه به اهداف بیان شده در مقدمه آن وفادار مانده‌اند؟

۵. دایره شمول: گستره موضوعاتی که در اثر آمده و محدوده موضوعات کدام‌اند؟ وجوه اشتراک و افتراق این کتاب با دیگر آثار مشابه چیست؟

۶. روز آمد بودن: مطالب چه قدر روز آمد هستند؟ آیا تمام مقالات و کتاب‌شناسی‌ها به روزآمدی تاریخ چاپ این اثر هستند؟

۷. کتاب‌شناسی‌ها: کتاب‌شناسی‌های مقالات تا چه اندازه می‌توانند خواننده را به استفاده از اطلاعات اضافی‌تر ارجاع دهند؟ کتاب‌شناسی‌ها تا چه اندازه نشان دهنده عمق کار تألیفی نویسندگان هستند؟

پ) روش کار

۸. صحت: اطلاعات چه قدر جامع، قابل اعتماد و دقیق هستند؟

۹. عینیت و بی‌طرفی: آیا در مسائل مورد مناقشه، جهت‌گیری و تبعیضی به چشم می‌خورد؟ آیا بین فضای اختصاص یافته به یک موضوع خاص در مقایسه با موضوعات مشابه دارای ارزش یکسان، توازنی وجود دارد؟

۱۰. سبک: آیا سطح نگارش زبان، بیان برای یک فرد عادی یا بزرگسال یا کودک و نوجوان است؟ آیا اثر خوانا و مطالعه آن راحت و بدون اشکال است؟

ت) آرایش و ترتیب

۱۱. ترتیب و توالی: آیا توالی، مطالب نظم رده‌ای، تاریخی، جغرافیایی یا الفبایی دارند؟ اگر ترتیب الفبایی است، آیا موضوعات مفصل یا موجز هستند؟ نظم الفبایی آن چگونه است؟

۱۲. نمایه‌سازی و ارجاعات: آیا مقالات متن اصلی از طریق نمایه‌ها و ارجاعات متقابل به‌طور مطلوبی به یکدیگر ربط داده شده‌اند و امکان بازیابی سریع اطلاعات وجود دارد؟

ث) قالب و طرح کلی اثر

۱۳. آرایش صوری: آیا صحافی، جلد، کاغذ، نوع و اندازه حرف و همچنین صفحه‌آرایی با حداقل انتظارات و مشخصات چنین اثری تناسب دارد؟

۱۴. شواهد تصویری: آیا شواهد تصویری از کیفیتی مطلوب برخوردارند؟ آیا آن‌ها ارزش اطلاع‌رسانی دارند؟ آیا این تصاویر با متن ارتباط مستقیمی دارند؟

[shores, ۱۹۷۴: ۱۸-۱۹]

ج) ویژگی‌های بارز

۱۵. امتیاز ویژه: چه ویژگی‌هایی این کتاب مرجع را از تمام دیگر آثار متمایز می‌کند؟

۳. معیارهای ارزیابی دایرةالمعارف‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها^{۲۶}

هدف و گستره

● فرهنگ‌نامه برای چه مخاطبی تدوین شده و چه کسی را مدنظر داشته است؟

● اهداف اصلی آن کدام‌اند؟

● مؤلفان و ناشران فرهنگ‌نامه چه ویژگی‌هایی را برای اثر خود قائل شده‌اند؟

● آیا مقدمه و واحدهای پیشین فرهنگ‌نامه جواب‌های روشن و موجزی به این پرسش‌ها می‌دهند؟

● فرهنگ‌نامه در شرح و توصیف مطالب تا چه عمقی پیش رفته است؟

● با توجه به اهداف بیان شده و مخاطبان مورد نظر فرهنگ‌نامه، آیا

این موضوعات از عمق مناسبی برخوردارند یا مطالب آن سطحی و غیر قابل

اعتمادند؟

برای ارزیابی هدف و گستره فرهنگ‌نامه خاص، ۱۰ یا ۱۲ موضوعی را که با آن‌ها آشنایی بیشتری دارید، انتخاب کنید. سپس این مقالات را به دقت بخوانید و همه چیز را با دید نقادانه و مشکافانه بررسی کنید. به عمق مطالب یا سطحی بودن آن توجه کنید. آیا مطالب و اصطلاحات یا نام‌هایی وجود دارند که فرهنگ‌نامه با توجه به هدف و گستره خود باید به آن‌ها می‌پرداخت، اما نپرداخته است؟

اعتبار و مرجعیت

● مؤلف یا مؤلفان فرهنگ‌نامه چه کسی یا چه کسانی هستند؟

● مترجم یا مترجمان فرهنگ‌نامه چه کسی یا چه کسانی هستند؟

● ناشر فرهنگ‌نامه در چه زمینه‌ای شهرت دارد؟

● آیا آثار برجسته قبلی از این مؤلفان و ناشران وجود دارد یا نه؟

● ویراستاران، مشاوران و به‌ویژه پدیدآورندگان فرهنگ‌نامه چه اعتباری به آن بخشیده‌اند؟

● آیا در تدوین این اثر از رایانه استفاده شده است؟ به چه میزانی؟ با وجودی که رایانه در

امور گوناگون از قبیل حروف‌چینی، پردازش عکس‌ها و تصویرها و نمودارها، پردازش اطلاعات، تهیه نمایه و... به کار می‌رود، مسئول نهایی همچنان انسان است. پس طبیعی است که



بپرسیم: «پدیدآورندگان فرهنگ‌نامه چه کسانی هستند؟»

فرهنگ‌نامه‌های معروف، نام‌پدیدآورندگان خود را اعم از نویسنده، ویراستار، طراح، عکاس، نقاش، پردازشگر رایانه‌ای، حروف‌چین، ناظر چاپ و مانند آن را همراه با مدارج و رتبه‌های آنان در آغاز جلد اول فهرست می‌کنند.

در موارد زیادی، خریدار فرهنگ‌نامه از پیش نمی‌داند که چه مؤلف یا ناشری معتبر است. پرس و جو از صاحب نظران و مراجعه به منابع و نشریات معتبر در زمینه کتاب، به او کمک می‌کند تا به اعتبار نویسندگان و ناشران پی ببرد. متأسفانه در ایران، امکانات شناخت صحیح پدید آورندگان و ناشران راحت و در دسترس نیست. ولی در غرب، کتاب‌های زندگینامه‌ای ویژه‌ای به نام «Whos Who» وجود دارد که در این کار یاری‌رسان هستند. گاهی فرهنگ‌نامه‌ای ارزش و اعتباری پیدا می‌کند که شایان آن نیست. ممکن است خلأ بازار در این زمینه یا تبلیغات فراوان باعث این «سزای ناسزاوار» شده باشد.

قابلیت اطمینان

● آیا اطلاعات دایرة‌المعارف صحیح است؟

● آیا در حقایق، اشتباه وجود دارد؟

● آیا توصیف پدیده‌ها و مطالب با اندیشه معاصر مطابقت دارد؟

طبیعی است که کاری عظیم مانند تدوین فرهنگ‌نامه، خالی از خطا نباشد؛ هر قدر هم که پدید آورندگان دقت کرده باشند. هر قدر پدیدآورندگان فرهنگ‌نامه هر یک در رشته خود صاحب نظر و برجسته باشند و با احتیاط از منابع دست اول استفاده کنند، میزان اشتباهات کمتر خواهد بود.

متأسفانه غلط‌های چاپی به‌ویژه در ایران به این گونه اشتباهات دامن می‌زنند. برای ارزیابی اعتبار و صحت فرهنگ‌نامه، موضوعاتی را انتخاب کنید که با آن‌ها آشنا تر هستید.

عینیت و بی‌طرفی

● آیا فرهنگ‌نامه در ارائه اطلاعات مذهبی، سیاسی، جنسی و نژادی، بی‌طرف عمل کرده، یا از اندیشه و نژاد و مذهبی خاص طرف‌داری و علیه اندیشه، نژاد و مذهب دیگری جبهه‌گیری کرده است؟

● آیا فرهنگ‌نامه سعی در مخدوش کردن حقایق و مطالب داشته یا فکر خاصی را تبلیغ یا تقبیح کرده است؟

استیفن بروک، فرهنگ‌نامه‌نویس و سرویراستار کتاب‌های مرجع، در مقاله کوتاهی در نشریه «Bookletter» (شانزدهم سپتامبر ۱۹۷۴) می‌نویسد: «من در یک طرح فرهنگ‌نامه‌نگاری به سرپرستی یک طرف‌دار پرشور کلیسای کاتولیک رومی کار می‌کردم. این سرپرست تلاش داشت شرح مفصلی از زندگی تمام قدیسان و اولیای کلیسای کاتولیک را که شهرت بسیار اندکی داشتند، در فرهنگ‌نامه خود ثبت کند.»

بروک می‌نویسد: «عینیت چیزی نیست جز توهم عصر ماشین!» البته او به نوعی در این سخن کاملاً محق است. هرگز فرد یا فرهنگ‌نامه‌ای نبوده است و نخواهد بود که کاملاً عینی و بی‌طرف و از تبعیض و جانب‌داری و پیش‌داوری فارغ باشد. اما تاریخ فرهنگ‌نامه‌نگاری نشان می‌دهد که اصحاب معاصر دایرةالمعارف واقعاً تلاش دارند تا آن‌جا که ممکن است منصف، بی‌طرف و بی‌غرض باشند.

برای آزمایش بی‌طرفی نسبی فرهنگ‌نامه، چند مقاله مربوط به افراد، کشورها، مسائل و موضوعات جدل‌انگیز و مورد مناقشه انتخاب و آن‌ها را ارزیابی کنید.

روزآمدی

مطالب دایرةالمعارف چه قدر روزآمد و معاصرند؟

هیچ فرهنگ‌نامه‌ای نمی‌تواند کاملاً روزآمد باشد. دانش و اطلاعات فراوانی هست که پدید می‌آیند و سرعت آن‌ها به گونه‌ای است که هیچ فرهنگ‌نامه‌ای نمی‌تواند آن‌ها را سریعاً در قالب خود جا دهد.

از نظر اقتصادی، ویرایش سالانه و حتی ده ساله یک دایرةالمعارف بزرگ مقرون به صرفه نیست. اما فرهنگ‌نامه‌ها باید مسئله روزآمدی خود را به گونه‌ای حل کنند. ناشران و تدوینگران دایرةالمعارف‌ها برای رسیدن به معیارهای مطلوب روزآمدی دو شیوه اصلی در پیش می‌گیرند که هیچ یک از آن‌ها به‌طور کامل رضایت‌بخش نیستند.

اولین شیوه، **تجدید نظر مداوم** نام دارد و ابتدا توسط هیئت دایرةالمعارف بریتانیکا در دهه ۱۹۳۰ به کار گرفته شد. در این روش، بخش‌های خاصی از متن دایرةالمعارف را سالانه تجدیدنظر می‌کنند و اطلاعات جدید را اضافه و اطلاعات کهنه را حذف می‌کنند. حدود ۱۰ درصد از مجموعه «دایرةالمعارف بریتانیکا» را باید سالانه تجدیدنظر کرد تا این اثر بتواند با آخرین تحولات هماهنگ شود و از زمانه عقب نیفتد. این دایرةالمعارف به این کار خود همیشه می‌بالد، اما برای اثبات صحت کار آن روش مؤثری وجود ندارد. مقاله تجدیدنظر شده ممکن است کاملاً از نو نوشته شود، اما به احتمال قوی تنها یک واژه و اصطلاح یا یک آمار آن تغییر کرده باشد.

بیل کتز در کاب معروف خود به نام «منابع پایه اطلاعاتی»^{۲۷} درباره تجدیدنظر مداوم می‌گوید: «اطلاعاتی مانند حوادث خبری، انتخاب یک رییس جمهور، اختراع یک ماده یا دستگاه مهم، جنبش‌ها و تحولات اقتصادی و شخصیت‌های مهم جدید، باید روزآمد باشند. اما در حوزه‌های نسبتاً کم‌تحرک مانند علوم انسانی و هنر، این گرایش کمتر است. معمولاً اثر جدید یک نویسنده یا نقاش کم‌اهمیت‌تر از یک کشف علمی است.»

هر قدر بازار فروش فرهنگ‌نامه خوب باشد، نیاز به اصلاح آن افزون‌تر خواهد شد. از طرف دیگر، اگر تجدیدنظر در فرهنگ‌نامه موجب رونق بازار آن و افزایش فروش آن شود، می‌توان نتیجه گرفت که این کار به نحو مطلوبی انجام گرفته است و در غیر این صورت، باید از خیر تجدیدنظر آن گذشت.

همیشه باید در نظر داشت که آخرین تاریخ چاپ در صفحه شناسنامه هر فرهنگنامه چند جلدی، تنها تاریخ آخرین حک و اصلاح جزئی است؛ مگر این که اثری کاملاً جدید باشد و یا تجدیدنظر کلی در آن صورت گرفته باشد. برای تعیین میزان روزآمدی فرهنگنامه، مقالات متفاوتی را بررسی کنید که درباره موضوعاتی هستند که دائماً دستخوش تغییر قرار می‌گیرند؛ مانند تحولات سیاسی، تکنیکی و فنی. همچنین چند مقاله در حوزه‌های علوم انسانی را که اطلاعات در آن‌ها کمتر دستخوش تغییرات زیاد، ناگهانی و گسترده می‌شوند، برای بررسی انتخاب کنید.

تصویرهای

ضعیف و سرهم
بندی شده، ارزش اطلاعاتی
فرهنگنامه خوب را مخدوش
می‌کنند. نبودن هیچ‌گونه
تصویری، ارزش اطلاعاتی و
اعتبار دایرةالمعارف را کم
می‌کند

روش دیگر مقابله دایرةالمعارف‌ها با مشکل روزآمدی، چاپ و انتشار سال‌نامه یا پیوست سالانه است که اطلاعات مهم و جدید هر سال در آن جمع می‌شوند. عده‌ای از صاحب‌نظران در فایده پیوست‌های سالانه فرهنگنامه‌ها تردید دارند و معتقدند: «در این زمینه، کتاب‌های مفیدی در دنیای غرب منتشر می‌شود که وجود آن‌ها ما را از خرید سال‌نامه‌های پیوستی دایرةالمعارف‌ها بی‌نیاز می‌کند.»

آرایش و تنظیم مطالب و قابلیت دسترسی

- اطلاعات و معلومات چگونه در دایرةالمعارف سامان داده می‌شود؟
- استفاده از آن‌ها تا چه حد ساده و سریع است؟
- آیا آرایش مطالب منطقی است؟
- آیا این آرایش اطلاعات، امکان بازیابی کارآمد اطلاعات را فراهم می‌سازد؟
- مهم‌تر از همه، آیا فرهنگنامه نظم الفبایی دارد و یا نظم موضوعی؟
- آیا ارجاعات متقابل ارائه شده‌اند؟ مقدار ارجاع متقابل چه قدر است؟
- آیا مقالات فرهنگنامه کوتاه هستند یا بلند؟
- آیا نمایه مفصلی در پایان آمده است؟
- آیا ویژگی‌های خاص یا شاذی وجود دارد که استفاده از فرهنگنامه را مشکل کند؟

برای دریافتن شیوه تنظیم دایرةالمعارف و میزان در دسترس بودن مطالب آن، موضوعات، افراد و حوادثی را انتخاب و به فرهنگنامه مراجعه و سؤال‌هایی را مطرح کنید؛ مثلاً: رابطه چه کسی بود؟ در چه قرن می‌زیست؟ آثار برجسته او کدام‌اند؟ مدل موی زنانه و مردانه در آمریکای دوران استعمار چگونه بود؟ نظام آموزشی روسیه چگونه عمل می‌کرد؟ مراکز اصلی تولید فسفات جهان کدام‌اند؟ ریچارد نیکسون در چه تاریخی از ریاست جمهوری آمریکا استعفا کرد؟ آنزیم چیست؟ هنر هفتم به چه هنری اطلاق می‌شود؟ قدیمی‌ترین دست‌نویس فارسی کدام است؟ هولوگرام چیست؟ آرتک‌ها چه کسانی بودند؟ ... سپس پاسخ‌ها را ارزیابی کنید. این کار موجب می‌شود تا به راحتی دریابید که آیا شیوه تنظیم و ارائه اطلاعات مطلوب است یا نه. آیا ارجاعات متقابل مفید

هستند یا نه؟ آیا نمایه مفصل است یا نه؟ نمایه چه قدر مفید است؟ و...

سبک نگارش و تناسب آن با سطح مخاطبان

● آیا فرهنگ‌نامه از سبک نگارش روشن و مناسبی برخوردار است؟

● آیا سبک دایرةالمعارف در همه‌جا هماهنگ و یکسان است یا از مقاله‌ای به مقاله دیگر تفاوت می‌کند؟

● آیا زبان و بیان مقالات جذاب است؟

● مهم‌تر از همه، آیا فرهنگ‌نامه برای مخاطبان مورد نظر خود قابل فهم است؟

معمولاً ناشران برای تبلیغ و شهرت فرهنگ‌نامه‌های خود، درباره انطباق آثار خود با نیازها و سطح سواد، زبان و بیان مخاطبان اغراق می‌کنند. برای مثال، چاپ جدید «دایرةالمعارف بریتانیکا» که به‌طور مشخص اثر مرجعی برای بزرگسالان است، در مقدمه بخش «Macropedia»^{۲۸} ادعا می‌کند: «به‌ویژه برای انجام تکالیف مدرسه مفید است... نوجوانان شما از سبک آسان زبان و بیان آن لذت خواهند برد.»

در مقدمه بخش «Macropedia» که مقالاتی به اندازه کتاب نیز در بردارد، چنین آمده است: «در این‌جا نیز زبان و بیان روشن و معاصر است... و تمام اعضای خانواده را مدنظر دارد.» قدر مسلم این‌که کودکان و نوجوانانی هستند که توانایی استفاده از این دایرةالمعارف را دارند و تدوینگران این امر را نیز آزمایش کرده و به اثبات رسانده‌اند. اما این فرهنگ‌نامه برای اکثر قریب به اتفاق دانش‌آموزان ابتدایی و راهنمایی و سال‌های آغازین دبیرستان، حتماً مشکل و فراتر از توانایی‌هایشان خواهد بود.

برای ارزیابی سبک نگارش فرهنگ‌نامه و تناسب آن با مخاطبان، موضوعاتی را انتخاب کنید که با آن‌ها آشنایی بیشتری دارید. مقالات مربوط به آن‌ها را بخوانید و از خود بپرسید: «آیا مطالب فرهنگ‌نامه را به راحتی می‌فهمم؟ آیا واژگان و اصطلاحات آن با سطح آگاهی من مناسب است؟ آیا اصطلاحات فنی و تخصصی آن به‌گونه‌ای مناسب و قابل فهم شرح داده شده است؟» این آزمایش را با فرزندان خود و دیگران نیز انجام دهید.

کتاب‌شناسی‌ها

● آیا دایرةالمعارف در پایان مقالات خود، فهرستی از منابع برای مطالعه بیشتر آورده است؟

● آیا منابع روزآمد نیز در میان کتاب‌شناسی‌ها یافت می‌شود؟

● آخرین تاریخ کتاب‌شناسی‌ها چه زمانی است؟

● آیا مهم‌ترین یا معتبرترین منابع درباره موضوعی آورده شده است؟

دایرةالمعارف معمولاً ایستگاه اول روند جست‌وجو و گردآوری اطلاعات است و هدف آن عبارت است از: «ارائه کتاب‌شناسی گزیده برای راهنمایی مراجعه کنندگان به دیگر منابع اصلی در موضوع مورد نظر.»

کتاب‌شناسی گزیده در پایان هر مقاله یا در انتهای جلد آخر قرار می‌گیرد و یکی از راه‌های ارزیابی روزآمدی فرهنگ‌نامه است. این بار نیز موضوعات آشنایی را انتخاب کنید و مهم‌ترین و معتبرترین منابع مربوط به آن‌ها را در بخش کتاب‌شناسی گزیده کنترل کنید.

شواهد تصویری

● آیا دایرة‌المعارف از شواهد تصویری کافی برخوردار است؟ تدوینگران و ناشران فرهنگ‌نامه از دیرباز به اهمیت این کلام قصار وقوف کامل یافته‌اند که «یک تصویر بهتر از هزار کلمه است!» اکنون کمتر دایرة‌المعارف تخصصی یافت می‌شود که عکس سیاه سفید و یا رنگی، طرح خطی، نمودار، جدول، نقشه و... نداشته باشد؛ چه برسد به دایرة‌المعارف‌های عمومی و دایرة‌المعارف‌های نوجوانان.

● آیا این شواهد تصویری به روشن شدن متن و مطلب کمک می‌کنند یا صرفاً جا پرکن و تزئینی هستند؟

● آیا شواهد تصویری نزدیک متن و مدخلی که به آن‌ها مربوط می‌شوند، قرار دارند؟

● آیا تصاویر ظاهری جدید و امروزی دارند؟

● آیا نقشه‌ها از توضیحات کافی برخوردارند؟

● آیا شواهد تصویری روزآمد هستند؟

● آیا انواع نقشه‌های جغرافیایی (تاریخی، طبیعی، سیاسی و...) آمده‌اند؟

● آیا طراحان و نقاشان، افراد متبحر و شناخته شده‌ای در رشته خود هستند؟

● آیا تصویرها نیز نمایه‌سازی شده‌اند؟

● تصویرهای ضعیف و سر هم بندی شده، ارزش اطلاعاتی فرهنگ‌نامه خوب را مخدوش می‌کنند. نبودن هیچ‌گونه تصویری، ارزش اطلاعاتی و اعتبار دایرة‌المعارف را کم می‌کند. یک یا چند جلد دایرة‌المعارف را بررسی کنید و ببینید آیا شواهد تصویری، روشن، واضح، روزآمد و مرتبط با متن هستند یا نه. روزآمدی و کیفیت نقشه‌های جغرافیایی را می‌توانید با بازبینی مکان‌ها، کوه‌ها، کشورها و شهرهایی که می‌شناسید، تشخیص دهید.

شکل ظاهری

● آیا طراحی صفحه، جذاب، توجه برانگیز و خلوت است؟

● آیا در بالای هر صفحه، شاخص‌های مدخل یا رکاب‌هایی وجود دارند که اولین و آخرین مدخل آن صفحه را مشخص سازند؟

● آیا حروف کتاب بزرگ و واضح و به راحتی قابل خواندن هستند؟

● آیا کیفیت کاغذ خوب است یا برق و جلایی دارد که چشم را می‌آزارد؟

● کیفیت جلد فرهنگ‌نامه چگونه است؟ آن را می‌توان تمیز کرد؟ کتاب کودکان و نوجوانان،

به‌ویژه برای سنین پایین‌تر، زود کثیف می‌شود و باید بتوان جلد آن را تمیز کرد.

● آیا وقتی که کتاب باز است، راحت می‌ایستد و صفحات آن به هم نمی‌خورند و خواننده مجبور

نمی‌شود که صفحات را با دست نگه دارد؟

● آیا صحافی فرهنگ‌نامه به گونه‌ای است که کناره حاشیه ستون داخلی آن را به راحتی نمی‌توان خواند؟

● به طور کلی، آیا ظاهر فرهنگ‌نامه چشم‌نواز است؟

ویژگی‌های بارز

● آیا این فرهنگ‌نامه ویژگی‌هایی دارد که دیگر آثار فاقد آن هستند؟

● آیا این ویژگی‌ها مفیدند یا صرفاً تزئینی و تجملی هستند؟

فرهنگ‌نامه‌ها غالباً از نظر موضوع، شکل و قالب بسیار شبیه هم هستند و بسیاری از ناشران احساس می‌کنند که جنبه‌های منحصر به فرد یا متمایزی به اثر خود بی‌بخشند تا آن را از آثار رقبایشان مشخص سازد. این ویژگی‌ها ممکن است افزودن عکس‌های رنگی درباره موضوعات خاص مثلاً پرواز آپولو ۱۳، المپیک زمستانی، نقاشی دیواری، دایناسورها، رایانه و... باشد یا پیوست‌های مفید به صورت فرهنگ لغت، اطلس جغرافیایی و... این ویژگی‌های متمایز کننده را براساس ارزش آن‌ها ارزیابی کنید تا معلوم شود آیا واقعاً بر کیفیت و فایده دایرةالمعارف می‌افزاید و یا صرفاً برای تبلیغ و پر زرق و برق کردن آن آورده شده‌اند؟

بازار کتاب و قیمت فرهنگ‌نامه

● قیمت یک دوره فرهنگ‌نامه چه قدر است؟

● آیا این قیمت واقعی به نظر می‌رسد؟

● قیمت تک فروشی و عمده فروشی آن چه قدر است؟

قیمت دایرةالمعارف‌ها از کتاب‌های دیگر نسبتاً کمتر است. ممکن است کتابی با نصف حجم یک جلد دایرةالمعارف و با کیفیتی نازل‌تر، قیمتی بیش از دایرةالمعارف داشته باشد. صحافی دایرةالمعارف در کارایی و دوام آن از اهمیت اساسی برخوردار است و طبعاً در قیمت آن تأثیر می‌گذارد. ممکن است دایرةالمعارفی چاپ عادی دیگری چاپ دو لوکس داشته باشد که در این صورت، قیمت آن‌ها متفاوت خواهد بود.

نظرات انتقادی دیگران

هر قدر از نظرات انتقادی منتقدان و بررسی کنندگان و نشریات مربوط به کتاب و جز آن اطلاع داشته باشید، آگاهی شما از فرهنگ‌نامه به طور کلی و فرهنگ‌نامه مورد نظر به طور اخص بیشتر خواهد بود. در غرب، کتاب‌هایی ویژه برای راهنمایی افراد در خرید کتاب‌نامه و نیز مجموعه نقدهایی مربوط به آن‌ها وجود دارد. هم‌چنین می‌توان به فهرست‌های کتاب‌های مفید برای گروه‌های سنی متفاوت مراجعه کرد. در ایران، تنها معدودی نشریه وجود دارند که به نقد کتاب می‌پردازند. نقد و بررسی کتاب مرجع کودکان نیز جایگاه شایسته‌ای در مطبوعات ندارد. این گونه مطالب بیشتر به معرفی اختصاص دارد و نه به ارزیابی.

۴. معیارهای ارزیابی و نقد فرهنگ‌ها

فرهنگ از نظر اهمیت در مجموعه کتاب‌های مرجع در ردیف فرهنگ‌نامه و دایرةالمعارف قرار دارد. به نظر می‌رسد که در غرب تعداد فرهنگ‌نامه‌های ویژه کودکان و نوجوانان نسبتاً بیشتر از فرهنگ‌های ویژه این گروه سنی باشد. از طرف دیگر، تدوین فرهنگ، مراجعه به آن و هم‌چنین کار با آن، از دایرةالمعارف مشکل‌تر و پیچیده‌تر است.

در این بخش، سه معیار معروف برای ارزیابی و نقد فرهنگ‌ها معرفی می‌شوند:

۱. معیار علی محمد القاسمی، مرجع‌شناس عرب که در دنیای انگلیسی مرجع‌نگاری شهرت دارد.

۲. معیار ادوارد گیتز، مرجع‌شناس آمریکایی. این معیارها را گیتز طی یک درس دانشگاهی تدریس می‌کند.

۳. معیارهای یاکوف مالکییل که از معیارهای کلاسیک در این زمینه است.

ضوابطی را نیز نگارنده ارائه کرده است.

۱-۴. معیارهای ارزیابی فرهنگ‌ها بر اساس نظر علی محمد القاسمی

در معیارهای تدوین و انتخاب و ارزیابی فرهنگ‌ها که علی محمد القاسمی وضع کرده است، موارد زیر بررسی می‌شود:

الف) هدف

- یگانگی هدف و یکدستی
- امروزمین بودن

ب) محتوا

- واحدهای پیشین فرهنگ
- متن فرهنگ:
- مدخل‌بندی
- تلفظ و اطلاعات آوایی
- اطلاعات دستوری
- اطلاعات معنایی
- اطلاعات کاربردی
- شواهد و مثال‌های کلامی
- شواهد و مثال‌های تصویری
- ریشه‌شناسی

فرهنگ‌نامه‌ها

غالباً از نظر موضوع

شکل و قالب بسیار شبیه

هم هستند و بسیاری از ناشران

احساس می‌کنند که جنبه‌های

منحصر به فرد یا متمایزی به اثر

خود ببخشند تا آن را از آثار

رقبایشان مشخص سازد

ج) پیوست‌ها

د) ظاهر فرهنگ و مسائل چاپ^{۲۹}

۲-۴. ارزیابی اطلاعات موجود در واحدهای پیشین و پسین فرهنگ براساس نظر جی.
ادوارد گیتز^{۳۰}

■ موارد کلی و عمومی

● عنوان کامل فرهنگ چیست؟

● آیا فشرده است یا جامع؟

● فرهنگ شما در چه سالی چاپ شده و چاپ اول آن در چه تاریخی بوده است؟

● آیا در آن تجدیدنظر شده است؟

● سروراستار فرهنگ چیست؟ سوابق کاری او در این زمینه چگونه است؟

● ناشر آن چیست و محل نشر آن کجاست؟

● تعداد مدخل‌های آن چه قدر است؟

● آیا نمایه‌ای هم با این فرهنگ آمده است؟

● مخاطب فرهنگ چیست؟ آیا فرهنگ توانسته است مخاطب خود را بشناسد و اطلاعات مورد نیاز او را به گونه‌ای مطلوب به او ارائه دهد؟

● «شیوه استفاده از فرهنگ» در کجای آن آمده است و عنوان آن چیست؟ آیا این بخش، جامع و مفید و اطلاع‌رسان است و با مثال‌های کلامی و تصویری همراه شده است؟

● چه مطالبی در واحدهای پیشین، قبل از متن اصلی فرهنگ، آمده است؟

● آیا در واحدهای پیشین بخشی به تاریخ زبان اختصاص داده شده است؟ آیا این بخش به آواهای زبان، واژگان، معنا، دستور، خط، گویش‌ها و... پرداخته است؟

● آیا بخشی مربوط به کاربرد زبان^{۳۱} و گونه‌های رسمی و غیررسمی و مواردی مانند به اصطلاح «غلط مصطلح» وجود دارد؟ آیا در این بخش، اصول تجویزی توصیه شده‌اند یا به روش توصیفی عمل شده است؟

● آیا در واحدهای پسین به این مطالب پرداخته شده است: افراد مشهور، اماکن جغرافیایی، نمادها و نشانه‌ها، علائم اختصاری، مقیاس‌ها، نام‌های خاص مردان و زنان، قواعد نگارش، نشانه‌های سجاوندی؟

درباره هر یک از این موارد، چه اطلاعاتی عرضه شده است؟ آیا این اطلاعات مفیدند؟ چه اطلاعات مفید دیگری با چه هدفی در پایان فرهنگ آمده است؟

● آیا نقشه‌ها و نمودارهایی در پایان فرهنگ آمده‌اند؟ کیفیت چاپ آن‌ها چگونه است؟

به نظر می‌رسد که در غرب تعداد فرهنگ‌نامه‌های ویژه کودکان و نوجوانان نسبتاً بیشتر از فرهنگ‌های ویژه این گروه سنی باشد

■ واژگان

- آیا فرهنگ مورد بررسی، اقلام واژگانی زیر را در بردارد؟
- واژه‌ها و مفاهیمی که تازه وارد زبان شده‌اند.
- اصطلاحات فنی و تخصصی که در کتاب‌های درسی یافت می‌شوند.
- واژه‌ها و عبارات بیگانه رایج در زبان مادری.
- واژه‌ها و عبارات و معانی مهجور، کم استعمال و ادبی.
- عبارات و ترکیبات مثلی و اصطلاحی^{۳۳}. آیا این عبارات و ترکیبات به صورت مدخل مستقل آمده‌اند یا در قالب مدخل واژگان کلیدی آن‌ها.
- پیشوندها، پسوندها و وندها.
- اختصارات.
- واژه‌ها، عبارات و معانی عامیانه و گفتاری.
- واژه‌ها و معانی گویش‌های عمده زبان.
- اصطلاحات پیشه‌ها، حرفه‌ها و قشرهای خاص.
- اعلام (اسامی اشخاص مهم، نام مکان‌ها، حوادث تاریخی، نام کتاب‌های مهم، نام فیلم‌های مهم و...).

■ املا، رسم خط، مدخل بندی

- واژه مدخل چگونه از شرح و توصیف آن متمایز شده است؟
- معانی متفاوت واژه چگونه از هم متمایز شده است؟
- صورت‌های دستوری متفاوت واژه واحدی چگونه از هم متمایز شده‌اند؟
- واژه‌های هم شکل چگونه از هم متمایز شده‌اند؟
- آیا گونه‌های متفاوت املائی واژه در فرهنگ ثبت شده است؟ گونه اصلی و گونه(های) فرعی چگونه از هم تفکیک و متمایز شده‌اند؟ چگونه می‌توان صورت املائی رایج را شناخت؟ صورت(های) فرعی چگونه به صورت اصلی مورد پذیرش فرهنگ ارجاع داده شده است؟
- فرهنگ مورد بررسی درباره سرهم‌نویسی یا جدانویسی واژه‌های مرکب یا مشتق، چه سیاستی را در پیش گرفته است؟

■ تلفظ

- نشانه‌های تلفظ چگونه و در کجای فرهنگ آمده است؟ آیا محل آن مناسب و مراجعه سریع به آن امکان پذیر است؟ آیا این بخش با مثال‌هایی برای روشن شدن دقیق معنای نشانه همراه است؟
 - مبنای ثبت تلفظ در فرهنگ مورد بررسی چه بوده است؟
- الف) سلیقه فرهنگ‌نگار؛**
ب) مراجعه به فرهنگ‌ها و متون قدیمی؛

پ) مراجعه به معلمان و نویسندگان و شاید مردم عادی برای انتخاب تلفظ رایج.
● گوناگونی‌های تلفظی در میان طبقات مختلف اجتماع یا مناطق متفاوت جغرافیایی چگونه نشان داده شده است؟

● اولین تلفظ در فرهنگ، رایج‌ترین تلفظ در میان اهل زبان است یا گونه‌ای است که فرهنگ‌نگار بنا به دلایل خاصی انتخاب کرده است؟

● اگر تلفظی در فرهنگ ثبت نشده باشد، آیا الزاماً به این معنی است که قابل قبول نبوده است؟

● چه مدخل‌هایی تلفظ ندارند؟ تلفظ چنین کلمه یا ترکیبی را چگونه می‌توان یافت؟

■ دستور و اطلاعات نحوی

● برچسب‌ها و نشانه‌های دستوری کجای فرهنگ و به چه ترتیبی آمده‌اند؟

● آیا برچسب‌ها و مفاهیم دستوری به روشنی توصیف شده‌اند؟

● کلمات هم شکل دارای نقش دستوری متفاوت چگونه از هم متمایز شده‌اند؟

● آیا فرهنگ مورد بررسی در بیان نقش‌های دستوری به عمق رفته و دقیق‌تر شده است یا نه؟
مثلاً انواع اسم را نیز در برچسب‌های دستوری آورده است: اسم عام، اسم خاص، اسم معنی، اسم جمع و...؟

● آیا صورت‌های دستوری بی‌قاعده، مثلاً جمع مکسر، در فرهنگ آمده است؟

● آیا صورت‌های صرفی، مثلاً قید و صفت (تفضیلی و عالی)، در فرهنگ آمده است؟

■ ریشه و تاریخ واژگان

● در واحدهای پیشین دربارهٔ ریشه‌شناسی و تاریخ واژه‌ها چه مطالبی آمده است؟

● فهرست نشانه‌های اختصاری ریشه‌شناختی کجای فرهنگ و به چه ترتیبی آمده است؟

● ریشه‌شناسی چگونه از بقیهٔ مطالب مدخل‌ها مشخص و متمایز شده است؟

● آیا معنی ریشهٔ کلمه در زبان اصلی نیز داده شده است؟

● آیا در بخش ریشه‌شناسی به جاهای دیگر فرهنگ ارجاع داده شده است؟

● آیا مدخل‌های فاقد ریشه‌شناسی نیز وجود دارند؟

■ برچسب‌های کاربردی

● آیا یادداشت‌ها و برچسب‌هایی در فرهنگ وجود دارند که محدودیت کاربرد آن را در بافت‌های متفاوت نشان دهند؟

● توضیحات و برچسب‌های کاربردی کجای فرهنگ آمده‌اند؟

● فهرست علائم و نشانه‌های مورد استفاده برای برچسب‌های کاربردی کجای فرهنگ آمده است؟

● منای قضاوت فرهنگ‌نگار(ان) برای ارائهٔ اطلاعات کاربردی چیست؟

● در فرهنگ از چه برچسب‌هایی استفاده شده است و چرا؟ مثلاً رسمی، غیررسمی، عامیانه،

گفتاری، ادبی، تحقیرآمیز، توهین‌آمیز، زبان زنانه، گویشی؟
● برچسب‌های کاربردی در کجای مدخل‌های فرهنگ قرار گرفته‌اند؟

■ اطلاعات معنایی

- فرهنگ معانی مرتبط را چگونه به هم پیوند داده است؟
- معیارهای تفکیک معانی متفاوت چیست؟
- آیا اولین معنایی که برای واژه‌ای داده شده، پرکاربردترین معناست؟
- از چه علائمی برای تفکیک معانی استفاده شده است؟
- حروف اضافه، حروف ربط و عناصر دستوری مانند آن‌ها چگونه تعریف شده‌اند؟
- آیا شواهد تصویری و کلامی برای روشن شدن معنا آمده‌اند؟
- آیا تأکید فرهنگ بر تعریف واژه‌هاست یا دادن مترادف آن‌ها؟
- مترادف‌ها چگونه عرضه شده‌اند؟
- آیا متضادهای کلمات نیز عرضه شده‌اند؟ چگونه؟
- علاوه بر مترادف‌ها و متضادهای، آیا دیگر واژه‌هایی هم که از نظر معنی با واژه مدخل ارتباط دارند، آورده شده‌اند؟

- اگر مترادف‌ها و متضادهای در مدخل نیامده‌اند، کجای فرهنگ قرار گرفته‌اند؟
- بین معانی و شواهد تصویری چگونه ارتباط برقرار شده است؟
- معانی مجازی و استعاری چگونه مشخص شده‌اند؟

۳-۴. معیارهای نقد و ارزیابی «یاکوف مالکییل»

یاکوف مالکییل در سال ۱۹۷۶ از فرهنگ‌ها طبقه‌بندی ویژه‌ای ارائه داد که در این‌جا از آن می‌توان برای نقد و ارزیابی فرهنگ‌ها استفاده کرد. براساس نظر او فرهنگ‌ها را می‌توان با توجه به سه اصل «گستره»^{۳۳}، «دیدگاه»^{۳۴}، «ارائه» یا «عرضه» بررسی کرد:

الف) گستره

- وسعت شمول (میزان شمول واژگان) چه قدر است؟
- عمق شمول (تعداد معانی وارده در زیر هر مدخل، شمول معانی ضمنی و مجازی، و اصطلاحات) چه قدر است؟
- آیا در فرهنگ تنها اطلاعات زبانی آمده است یا اطلاعات دایرةالمعارفی مانند اعلام، اسامی خاص و اطلاعات عمومی را نیز دربر می‌گیرد؟

ب) دیدگاه

- ترتیب آرایش واژه‌ها و نظام الفبایی آن چگونه است؟
- فرهنگ‌نگار از چه لحنی استفاده کرده است؟ فرهنگ جنبه تجویزی و هنجارسازی دارد یا جنبه توصیفی؟ آیا جنبه‌های آموزشی در آن به چشم می‌خورد؟ آیا ویژگی سرگرم‌کننده بودن که

برای مخاطب کودک و نوجوان مهم است، در آن به چشم می‌خورد؟

ج) ارائه

در این بخش موارد زیر بررسی می‌شوند:

● تعاریف؛

● شواهد و مثال‌های کلامی؛

● شواهد و مثال‌های تصویری؛

● ویژگی‌های خاص (مثلاً واژه‌ها و اصطلاحات محلی و اجتماعی،

نقش عاطفی واژه‌ها، و...)

۴-۴. معیاری دیگر

معیاری که برای نقد و ارزیابی فرهنگ در این‌جا معرفی می‌شود، از نگارنده است. این ضوابط عمدتاً جنبه کاربردی دارند و با نگرش به ماهیت فرهنگ‌ها و نقدهایی که در مورد آن‌ها نوشته شده است، ساختاری را برای ارزیابی و بررسی آن‌ها پیشنهاد می‌دهد:

۱. مقدمه فرهنگ؛

۲. اعتبار ناشر؛

۳. اعتبار مؤلف یا سرویراستار؛

۴. روزآمدی؛

۵. هدف؛

۶. مخاطب؛

۷. اطلاعات مورد نیاز مخاطب و وفاداری به آن؛

۸. اطلاعات ارائه شده در فرهنگ؛

۸-۱. مدخل‌بندی؛

۸-۲. نشانه‌های اختصاری؛

۸-۳. تلفظ؛

۸-۴. اطلاعات دستوری؛

۸-۵. اطلاعات معنایی؛

۸-۶. شواهد کلامی؛

۸-۷. شواهد تصویری؛

۸-۸. کاربرد و برجسب‌های کاربردی؛

۸-۹. ریشه‌شناسی؛

یاکوف مالکییل در سال ۱۹۷۶ از فرهنگ‌ها طبقه‌بندی ویژه‌ای ارائه داد که در این‌جا از آن می‌توان برای نقد و ارزیابی فرهنگ‌ها استفاده کرد. براساس نظر او فرهنگ‌ها را می‌توان با توجه به سه اصل «گستره» «دیدگاه»، «ارائه» یا «عرضه» بررسی کرد



۱۰-۸. پیوست‌ها؛

۹. شیوه‌ ارائه اطلاعات و تناسب آن با نیاز و دانش مخاطب؛

۱۰. ویژگی‌های بارز و اختصاصی؛

۱۱. شکل ظاهری و ملاحظات چاپی.

۴-۵. معیار خرید برای عموم

اصولی که در بالا معرفی شدند، عمدتاً مرجع‌نگار و متخصص و منتقد کتاب را مدنظر دارند و شاید در خرید فرهنگ به والدین معمولی و کودکان و نوجوانان کمک چندانی نکنند. پس باید این موضوع را از دیدگاه خریدار عادی نیز بررسی کرد. خریدار عادی هنگام خرید فرهنگ چه سؤال‌هایی از خود می‌کند؟ پژوهشگری این موضوع را در قالب یک «بیست سؤالی» مطرح کرده است. این مطلب به نقل از «دایرةالمعارف زبان کمبریج» به سرپرستی دیوید کریستال ذکر می‌شود.^{۳۵}

۱. آیا کیفیت کاغذ خوب و بادوام است؟

۲. آیا صحافی فرهنگ طوری هست که کتاب کاملاً گشوده شود؟

۳. آیا مدخل‌ها (به‌ویژه مدخل‌های طولانی) به خوبی صفحه‌آرایی شده‌اند؟

۴. آیا فرهنگ، واژه‌هایی را در خود دارد که به دنبال آن‌ها هستید؟ (چند واژه را که برای شما

مشکل آفرین بوده‌اند، یادداشت کنید و آن‌ها را به عنوان معیار ارزیابی به کار برید.)

۵. آیا موضوعات بین‌المللی لازم را به حد کفایت دربر دارد؟

۶. آیا اطلاعات دایرةالمعارفی را وارد کرده است؟

۷. آیا برای توضیح مفاهیم مشکل، تصاویری دارد؟

۸. آیا تعاریف را می‌توان به آسانی باز یافت؟ آیا تعاریف طبق اصول معقولی مرتب شده‌اند؟

۹. آیا تعاریف را می‌توان به آسانی درک کرد؟ آیا آن‌ها مفید و کمک‌کارند؟ (برای مثال، آیا از

دور باطل اجتناب می‌کنند؟ دور باطل آن است که اگر الف به صورت ب تعریف شود، آن‌گاه ب نیز

به صورت الف تعریف شود.)

۱۰. آیا شواهدی (مثال‌هایی از کاربرد زبانی) ارائه می‌دهد؟ آیا این شواهد واقعی هستند یا ساختگی؟

۱۱. آیا راهنمایی‌هایی درباره کاربرد عنصرهای زبانی ارائه می‌دهد؟

۱۲. آیا مجموعه مناسبی از زمینه‌های کاربرد سبکی (برای نمونه رسمی، عامیانه، پزشکی یا

قدیمی) به کار می‌گیرد؟

۱۳. آیا اطلاعات ریشه‌شناسی را به دست می‌دهد؟

۱۴. آیا راهنمایی‌هایی درباره این که کجا باید کلمه‌ای را با حروف بزرگ شروع کرد [در مورد

زبان‌هایی مثل انگلیسی، فرانسوی و آلمانی]، گونه‌های املائی و این که مرز هجا در کجا واقع

می‌شود (خط تیره^{۳۶} را کجا باید قرار داد) ارائه می‌کند؟

۱۵. آیا گونه‌های تلفظی به دست می‌دهد و آیا خواندن الفبای آوانگاری آن آسان است؟

۱۶. آیا اصطلاحات، ترکیبات، ضرب‌المثل‌ها و مانند آن را در خود گنجانده است؟

۱۷. آیا فهرستی از مترادف‌ها و متضادها را شامل می‌شود؟

۱۸. آیا ارجاعات متقابل مفید و کمک کننده‌ای را به واژه‌های دیگر با معانی مربوط به دست می‌دهد؟

۱۹. آیا اطلاعاتی دربارهٔ اجزای کلام، پایانه‌های صرفی^{۳۷} و دیگر ویژگی‌های دستوری مرتبط

به دست می‌دهد؟

۲۰. آیا پیوست‌های مفیدی (مانند اختصارات، اوزان و مقیاس‌ها) دارد؟

۵. معیارهای ارزیابی فرهنگ‌های زندگی نامه‌ای

اعتبار ناشر

● آیا ناشر در زمینه انتشار زندگی‌نامه‌ها و فرهنگ‌های زندگی‌نامه‌ای تخصص و پیشینه‌ای دارد یا از روی اتفاق چنین اثری را چاپ کرده است؟

● آثار قبلی ناشر در زمینه زندگی‌نامه‌ای از چه اعتبار و شهرتی برخوردارند؟

● آیا ناشر از هیئت تحریریهٔ ورزیده‌ای برخوردار است و با صاحب نظران ارتباط مستقیم دارد؟

اعتبار مؤلف و سرویراستار

● آیا پدیدآورندگان از صلاحیت‌های لازم و کافی برخوردارند؟

● آیا پدیدآورندگان از اظهارنظر شخصی خودداری ورزیده‌اند یا حب و بغض‌ها و سلیقه‌های خود را نیز وارد فرهنگ کرده‌اند؟

● آیا پدیدآورندگان - در صورتی که افرادی معروف باشند - خود شهرت و آوازهٔ خوشی دارند و از وجههٔ مطلوبی برخوردارند؟

روزآمدی

● آیا این اثر، یافته‌ها و اطلاعات جدیدی دربارهٔ بزرگان قدیمی دارد؟

● آیا این اثر مشخصات افرادی را که تازه شهرت یافته‌اند و تازه مطرح شده‌اند، ثبت کرده است؟

● آیا اطلاعات، آثار و افکار جدید افراد معاصر را ثبت کرده است؟

● تاریخ نشر و اریخ آخرین تجدیدنظر آن چیست؟

ملاک گزینش افراد در فرهنگ زندگی‌نامه‌ای

● زندگی، آثار و افکار چه کسانی در فرهنگ آمده است؟

● آیا اثر به یک کشور اختصاص دارد یا همهٔ بزرگان جهان را شامل می‌شود؟

● ملاک‌های انتخاب عده‌ای و حذف عده‌ای دیگر چیست؟

● آیا این اثر به معاصران می‌پردازد یا به گذشتگان و معاصران؟

روش کار

● شیوهٔ گردآوری اطلاعات در مورد افراد چگونه است؟

- چه مقدار از اطلاعات این اثر، تألیف توسط پدیدآورندگان و چه مقدار از آن استفاده از یافته‌ها و نوشته‌های قبلی دیگران است؟
- آیا برای قضاوت دربارهٔ افکار و آثار، ارزش‌های شخصی مبنا بوده‌اند یا بی‌طرفی و عینیت علمی؟
- اگر اطلاعات ضد و نقیضی دربارهٔ کسی وجود داشته است، پدیدآورندگان فرهنگ چگونه آن را حل کرده‌اند؟

حجم کتاب و حجم مدخل‌ها

- زندگی‌نامهٔ چند نفر در فرهنگ آمده است؟
- حجم متوسط اطلاعات دربارهٔ هر شخص چه قدر است؟
- به هر یک از اقلام اطلاعاتی به‌طور متوسط چه مقدار فضا و کلام اختصاص داده شده است؟
- آیا بین مدخل‌ها و افراد هم ارزش تناسبی وجود دارد؟
- آیا در حجم اطلاعات دربارهٔ افراد متفاوت یکدستی وجود دارد؟

شیوهٔ ارائه و تنظیم اطلاعات

- آیا فرهنگ الفبایی موضوعی است یا ترتیبی دیگر دارد؟
- معیار انتخاب واژهٔ مدخل چه بوده است؟
- نظام ارجاعات از مدخل اصلی به فرعی و برعکس چگونه است؟
- آیا فرهنگ نمایه هم دارد؟
- در مقدمهٔ فرهنگ چه اطلاعاتی آمده است؟
- فرهنگ چه پیوست‌هایی دارد؟
- نظام آوانویسی مورد استفاده برای نشان دادن تلفظ اعلام چگونه است؟
- القاب و عناوین افراد به چه نحوی در فرهنگ منعکس شده است؟
- آیا در پایان مدخل‌ها کتاب‌شناسی آمده است؟
- نظام اختصارات، ویژگی‌ها و مکان آن‌ها در فرهنگ چگونه است؟
- تاریخ تولد و وفات افراد چگونه مشخص شده است؟
- عدم اطمینان دربارهٔ تاریخ‌ها چگونه منعکس شده است؟
- از تاریخ‌های میلادی، قمری و شمسی چگونه استفاده شده است؟
- نوع و کیفیت شواهد تصویری و اسناد چگونه است؟
- مدخل‌های عام مانند خاندان و سلسله‌ها چگونه ارائه شده‌اند؟

شیوهٔ ضبط یا ترجمهٔ اعلام

- گونه‌های املائی متفاوت اعلام چگونه نشان داده شده‌اند؟
- اسم معروف و اسم کم کاربرد چگونه تفکیک شده‌اند؟
- افراد متفاوت دارای نام واحد (= همنام، آداس) چگونه از هم تفکیک شده‌اند؟

- تلفظ اسم‌ها چگونه ثبت شده است؟ گونه‌های آوایی واژه مدخل چگونه نشان داده شده‌اند؟
- ملاک‌های ترجمه و ضبط اعلام خارجی کدام‌اند؟

شواهد تصویری و اسناد

- روش فرهنگ در انتخاب عکس برای هر فرد چیست؟ چه نوع عکسی از افراد در فرهنگ آمده است؟

● علاوه بر عکس، از چه عناصر تصویری استفاده شده است؟ سند، دست‌نوشته، صفحه‌ای از کتاب نویسنده، عکسی از فیلمی که هنرمندی در آن بهترین نقش خود را ایفا کرده است، بهترین نمونه نقاشی هنرمند، عکس تاریخی یک سیاست‌مدار در حین یک سخنرانی داغ یا امضای فرمانی مهم ...

مخاطب

- مخاطب فرهنگ کیست؟
- آیا فرهنگ به مخاطب خود وفادار مانده است؟
- آیا نیازهای مخاطب خود را برآورده می‌سازد؟

نمونه‌ای از یک طرح تدوین فرهنگ زندگی‌نامه‌ای ویژه کودکان و نوجوانان

در سال ۱۳۷۲ نگارنده به همراه گروهی از دوستانی که در مجله «سروش» و «کیهان بچه‌ها» کار می‌کردند، تصمیم به تدوین «فرهنگ داستان‌نویسان و شاعران کودکان و نوجوانان» گرفت. نگارنده طرح تدوین آن و مقدمات کار را تا حدودی آماده ساخت. متأسفانه به دلایلی، این آرزو جامه عمل نپوشید. در این‌جا، به عنوان نمونه، طرح تدوین این فرهنگ را می‌آوریم که از یک سو می‌تواند چارچوبی برای ارزیابی چنین آثاری و از سوی دیگر مبنای تدوین آثاری از این قبیل باشد.

فرهنگ داستان‌نویسان و شاعران کودکان و نوجوانان

این اثر فرهنگ زندگی‌نامه‌ای است و به شرح حال و آثار افرادی که برای کودکان و نوجوانان داستان نوشته یا شعر سروده‌اند، می‌پردازد. در این فرهنگ، تنها به شرح حال و آثار داستان‌نویسان و شاعران پرداخته شده است. زندگی‌نامه و آثار دیگر هنرمندان کودکان و نوجوانان مانند تصویرگران، فیلم‌سازان، عکاسان و هنرمندان تئاتر در دیگر فرهنگ‌ها نگاشته می‌شوند.

نام کسانی که بیش از دو کتاب برای کودکان و نوجوانان نوشته‌اند و شاعرانی که اشعار قابل توجهی از نظر موضوع و ارزش کار سروده‌اند، در این فرهنگ ثبت خواهد شد. از نظر زمانی، نام کسانی در آن آمده است که در زبان فارسی معاصر آثاری خلق کرده‌اند.

مخاطبان و استفاده‌کنندگان اصلی این فرهنگ، هنرمندان، نویسندگان، مترجمان ادبیات کودکان و نوجوانان، والدین، معلمان و مسئولان آموزشی هستند؛ اما خود کودکان و نوجوانان هم می‌توانند از این کتاب استفاده کنند.

هدف‌های ما از تألیف «فرهنگ داستان‌نویسان و شاعران کودکان و نوجوانان» عبارت‌اند از:

- معرفی داستان‌نویسان و شاعران و دادن اطلاعاتی درباره آن‌ها.

- ارائهٔ چهره‌ای هر چه کامل‌تر از آن‌ها.
- آشنا کردن مردم با شخصیت و آثار کسانی که در این زمینه‌ها فعالیت دارند.
- شناساندن شاعران و داستان‌نویسان به معلمان و مسئولان آموزشی به منظور کمک به برنامه‌ریزی‌های تربیتی.

- آگاهی دادن به هنرمندان از فعالیت‌های دیگر داستان‌نویسان و شاعران.
- کمک به گسترش ادبیات کودکان و نوجوانان و غنا بخشیدن به آن.

کار فرهنگ‌نگاران فقط بیان حقایق مربوط به داستان‌نویسان و شاعران است؛ بدون این که دربارهٔ آن‌ها به قضاوت شخصی بنشینند. آن‌ها باید تلاش کنند که از دوستی‌ها و دشمنی‌ها بر کنار بمانند، زیرا وظیفهٔ فرهنگ‌نگاران بیان واقعیت‌هاست؛ نه اظهارنظر شخصی.

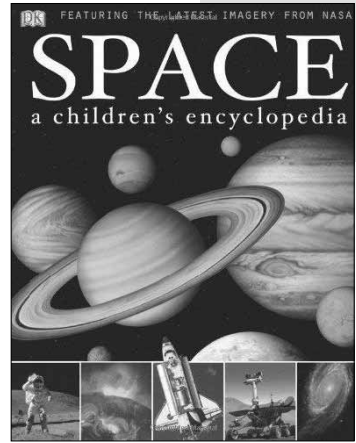
در این جا اطلاعاتی را در حد توان دربارهٔ هر یک از داستان‌نویسان و شاعران می‌آوریم. برخی از این اطلاعات عبارت‌اند از:

۱. نام و نام خانوادگی، نام مستعار یا مشهور؛
۲. جایگاه او در ادبیات کودکان و نوجوانان؛
۳. نوع فعالیت ادبی؛
۴. تاریخ تولد(یا وفات)؛
۵. محل تولد(یا وفات و محل دفن)؛
۶. میزان تحصیلات؛
۷. تاریخ شروع به فعالیت و اولین اثر؛
۸. سبک کار؛
۹. شخصیت معروف ساخته و پرداخته توسط داستان‌نویس یا شاعر.
۱۰. حوادثی از زندگی خصوصی که با زندگی حرفه‌ای هنرمند ارتباط دارند؛
۱۱. مهم‌ترین اثر یا آثار؛
۱۲. جوایزی که شاعر یا داستان‌نویس دریافت کرده است؛
۱۳. مشاغل و فعالیت‌های دیگر داستان‌نویس یا شاعر؛
۱۴. آثار چاپ شده همراه با تاریخ اولین چاپ؛
۱۵. عکسی از داستان‌نویس یا شاعر.

میزان اطلاعاتی که دربارهٔ هر کس در این فرهنگ ارائه می‌دهیم، به اطلاعات موجود، گستردگی کار و جایگاه او در ادبیات کودکان و نوجوانان بستگی دارد. مسلماً امکان ندارد تمام اطلاعات بالا را بتوان دربارهٔ هر داستان‌نویس یا شاعر ارائه داد، اما فرهنگ‌نگاران تلاش می‌کنند تا اطلاعات هر چه کامل‌تری ارائه دهند.



روشن
فرهنگ در
انتخاب عکس برای
هر فرد چیست؟ چه
نوع عکسی از افراد در
فرهنگ آمده است؟



ما در تهیه این فرهنگ، اطلاعاتی را از قبل به وسیله پرسش‌نامه‌هایی که برای داستان‌نویسان و شاعران فرستاده بودیم، دریافت کردیم. مطالب چاپ شده در مجلات و کتاب‌ها و اطلاعاتی را که خود ما از آن‌ها داشتیم، به اطلاعات پرسش‌نامه‌ها اضافه کردیم. تردیدی نیست که اطلاعات موجود و در دسترس ما، در مواردی ناقص و ناکافی است و امکان دارد اشتباه‌هایی در آن‌ها راه یافته باشد. برای تکمیل آن‌ها و همچنین برطرف کردن اشکالات این فرهنگ، دست‌یاری به سوی همه دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان دراز می‌کنیم و امیدواریم یار و مددکار ما در ارائه کاری مفید و با ارزش

باشند.

تقایص اطلاعات معمولاً از این قرارند که یا اطلاعاتی در مورد برخی از شاعران و داستان‌نویسان نداریم و یا اطلاعات موجود کافی نیست و نیازمند مطالب بیشتر درباره شرح حال و آثار آن‌ها هستیم. ممکن است اطلاعات مربوط به داستان‌نویسان و شاعران در منابعی مانند موارد زیر باشد:

- زندگی‌نامه چاپ شده در کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجلات و نشریات دیگر.
- مصاحبه در نشریاتی که در آن‌ها شرح حال و آثار داستان‌نویس یا شاعر به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم آمده باشد.
- نوار سخن‌رانی یا گفت‌وگوی ضبط شده از داستان‌نویسان یا شاعران یا نزدیکان آن‌ها درباره زندگی و آثار آن‌ها.
- نام آثار چاپ شده (نام کتاب، نام شاعر، تاریخ چاپ، تاریخ تجدید چاپ).
- اطلاعات جدید مربوط به بعد از انتشار این فرهنگ.
- ...

۱. پس از تدوین این گزارش، نشر نی، انتشارات پیام آزادی و شرکت لاله کامپیوتر کتابها و آثار مرجعی برای کودکان و نوجوانان انتشار دادند.

2. Pera Librorum Juvenillium
3. Arthur Mee
4. The Children,s Encyclopedia
5. The Book of Knowledge
6. Isee all
7. The World Book Encyclopedia
8. Weedon,s Modern Encyclopedia
9. Britannic Junior Encyclopedia
10. Compton,s Pictured Encyclopedia
11. encyclopedias, Cyclopedia
12. article
13. dictionary
14. Who,s Who?
15. Who Was Who?

۱۶. اعلام و اسامی خاص را نمی‌توان واژه دانست. اسم افراد، اسم جاها، نام کتابها، تابلوهای نقاشی، مجسمه‌ها و فیلمها و مانند آن را «اعلام» می‌گویند که مدخل دایرةالمعارفی هستند.

17. Thesaurus
18. Pictorial dictionary
19. oxford- Duden Pictorial Dictionary
20. illustrated dictionary
21. handbook, manual
22. career book
23. gazetter, geographical dictionary
24. index
25. Introduction to Reference Work

۲۶. اساس کار در بخش حاضر معیارهای پیشنهادی «کنت کیستر» است: نک: Kister, Kenneth F, 1989

27. Basic Information Sources

۲۸. دایرةالمعارف بریتانیکا سه بخش دارد. بخش اول Propedia، مقدمه‌ای است بر دانش، بخش دوم Macropedia، اطلاعات ریز را در بردارد و بخش سوم Macropedia، اطلاعات کلی عمیق را شامل می‌شود.

۲۹. مشروح این مقاله را در این منبع می‌توان یافت: القاسمی، علی محمد. «معیارهای تدوین، انتخاب و ارزیابی فرهنگ‌های دو زبانه». ترجمه حسن هاشمی میناباد. «کلک». شهریور و مهر ۱۳۷۰. ش ۱۹-۱۸. ص ۷۵-۷۰.

۳۰. تغییراتی در الگوی اصلی این نوشتار داده شده و مطالبی هم اضافه شده است.

31. Usage
32. Idiomatic
33. Range
34. Perspective

۳۵. «بیست سؤالی که باید هنگام خرید فرهنگ از خود پرسید». ترجمه حسن هاشمی میناباد. فصل‌نامه کرمان، ش ۲. پاییز ۱۳۷۰. ص ۹۵.

36. Hyphen
37. Inflectional endings

۱. طالبوف، عبدالرحیم. کتاب احمد (با مقدمه و حواشی باقر مؤمنی). انتشارات شبگیر. تهران. ۱۳۵۶.

۲. صبا، محسن. فرهنگ بیان اندیشه. نشر فرهنگ. تهران. ۱۳۶۶.